

تاریخ صاحبقرانی

حوادث تاریخی سلسله قاجار (۱۱۹۰-۱۲۴۸ ق)

تألیف:

محمود میرزا قاجار

(۱۲۱۴- پس از ۱۲۷۱ ق)

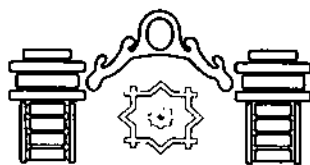
تصحیح:

نادره جلالی

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۸۹

- سرشناسه: محمود میرزا قاجار، ۱۲۱۴-۱۳۷۱ ق.
- عنوان و نام پدیدآور: تاریخ صاحبقرانی: حوادث تاریخی سلسله قاجار (۱۱۹۰-۱۳۴۸ ق)/ تألیف محمود میرزا قاجار: تصحیح نادره جلالی.
- مشخصات نشر: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- مشخصات ظاهری: ۳۷۰ ص.
- شابک: ۸۰۰۰۰ ریال: 978-600-220-009-9
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
- یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
- موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق.
- شناسه افزوده: جلالی، نادره، ۱۳۴۶-
- شناسه افزوده: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ ت ۱۳/م ۱۳۱۱ DSR
- رده‌بندی دیوبی: ۹۵۵/۰۷۴
- شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۵۸۲۸۴



کتابخانه موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی

تاریخ صاحبقرانی

حوادث تاریخی سلسله قاجار (۱۱۹۰-۱۲۴۸ ق)

تألیف: محمود میرزا قاجار (۱۲۱۴- پس از ۱۲۷۱ ق)

تصحیح: نادره جلالی

ترجمه مقدمه به انگلیسی : سید عبدالقادر هاشمی

صفحه‌آرا : فاطمه بوجار

قلم‌های استفاده شده : لوتوس و یاقوت Times

کاعد مورد استفاده : ۷۰ گرمی تحریر خارجی

شماره انتشار : ۲۳۵

چاپخانه : فرشیوه

لیتوگرافی : واصف

صحافی : سیناره

چاپ اول : ۱۳۸۹

شمارگان : ۱۰۰۰

بها : ۸۰۰۰۰ ریال

شابک : 978-600-220-009-9

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه،

موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

انتشارات و توزیع:

مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

خیابان انقلاب، مابین خیابان ابوریحان و دانشگاه، ساختمان فروردین

طبقه ۷، واحد ۲۷ و ۲۸؛ تلفن: ۶۶۹۶۴۱۲۱

نشانی سایت اینترنتی: WWW.ical.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@yahoo.com

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

قاجاریه، بخش مهمی از تاریخ ماست، بخشی که نمی‌توانیم صرفاً با کوچک شمردن آن، کاری که از مشروطه آغاز شد و تا این اواخر ادامه یافته، از آن صرف‌نظر کنیم. این دوره، بویژه نیمه نخست آن، بخشی از تاریخ میانی ماست، نه تاریخ مدرن ما، اما با این حال، آنچه ما امروز داریم، به قدر قابل توجه، متأثر از همان تحولات و تاریخچه است.

قاجارها یک دولت ایلی بودند، دولتی که براساس اصول و قواعد خلدونی، با بهره‌گیری از تضاد میان طوایف و قبایل، با صبر و حوصله تمام و دادن تلفات فراوان، بتدریج، راه خویش را در تاریخ گشودند و کشور ایران را برای یک صد و چهل سال در اختیار گرفتند. شاید، امتیاز عصر صفوی بر قاجاری این بود که دست کم، دولت و حکومت، ایلی نبود، بلکه مناسبات آن برگرفته از عضویت دینی و مذهبی و بخصوص تصوف بود و رنگ طایفه‌ای نداشت. آن اندازه که شاهزادگان در عصر قاجار قدرت داشتند، شاهزادگان صفوی قدرتی نداشتند و اساساً شناخته شده هم نبودند. در آن روزگار، این ایلها و طوایف دیگر بودند که با دولت همراهی کرده یا ناسازگاری می‌کردند، گرچه همراهی‌شان بسیار بیشتر بود و همین امر، سبب دوام دولت صفوی، حتی بیش از دولت قاجاری شد.

قاجارها که به صورت ایلی حکومت می‌کردند، طی تحولات یک صد و چهل ساله، از جمله با تغییراتی که در دنیای مدرن در روسیه، هند و مهم‌تر از همه اروپا رخ می‌داد، روبرو بودند. عیب قاجارها این بود که سرعت تغییر کردنشان بسیار کند بود و نتوانستند خود را پا به پای تحولات جهانی پیش ببرند. یکی از مسائل دست و پاگیر برای آنان، همین تفکر طایفه‌ای و ایلی بود که در مناسبات جدید، و با ایرانی که در مسیر تحولات سیاسی جهانی قرار داشت، سازگاری نداشت. بلی، اگر در گوشه‌ای افتاده بودند و برکنار از این دگرگونی‌های جهانی، این ممکن بود که با مناسبات کهنه بتوانند در دنیای جدید راهی باز کنند.

با این حال، قاجارها، تمام تلاش خود را کردند و همین که با استفاده از مناسبات میان دولتهای بزرگ، توانستند پادشاهی خود را و طبعاً ایران را در یک مقطع تاریخی حفظ کنند، دارای اهمیت هستند.

بعلاوه، قاجارها، بهرغم همه ایرادها و اشکالاتی که در زمینه رعایت قوانین عدل و انصاف داشتند، برای حفظ شریعت تلاش می‌کردند. مناسبات آنان با علما در بیشتر دوره‌ها مثبت بود و هرگاه دست به اقدامی می‌زدند که مناسبتی با رعایت عدل و رعایت حقوق مردم و استقلال کشور نداشت، علما دخالت کرده و مؤثر بودند.

با این همه، نباید میراث قاجارها را کوچک شمرد، آن چه از خوب و بد هست، میراثی است که از پدران ما بر جای مانده و ما بیش از آن که به فکر ایراد و انتقاد از آنان برآییم، باید با بیان نقاط ضعف، به اصلاح آن دست یازیم تا روزگاری نرسد که دیگران، ما را بسان آنان، مورد انتقاد قرار دهند.

کتاب حاضر، که تاریخ شکل‌گیری دوره قاجار را تا سال ۱۲۴۸ ق دنبال می‌کند، اثری است نفیس در تاریخ‌نویسی ما، بر اساس اصول منتهی، اصولی که ما از دیرباز در آن چارچوب به تاریخ‌نویسی مشغول بوده‌ایم.

مصحح ارجمند، دقت خود را در برخی از آثار منتشره دیگر خود نشان داده و در این اثر نیز با سخت‌گیری و تلاش، کوشیده است تا متنی منقح به خوانندگان عرضه کند. از این بابت از ایشان سپاسگزار و توفیقات روزافزونشان را از خدای تعالی خواستاریم.

رسول جعفریان

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

مقدمه مصحح	پانزده
شرح حال مؤلف	بیست
آثار محمود میرزا	چهل و یک
تاریخ صاحبقرانی و وجوه ارزشی آن	چهل و نه
نسخه خطی مورد استفاده و روش تصحیح	پنجاه و هفت
سیاسگزاری	پنجاه و هشت
تاریخ صاحبقرانی	
ذکر نسب ایل جلیل قاجار و آغاز داستان در انساب و انتساب طایفه ستوده قاجار	۱
وقایع احوالات نواب فتحعلی خان و محمّدحسن خان و حسین قلی خان و شاه جنت مکان محمّد شاه	۳
وقایع نواب فتحعلی خان قاجار	۴
عزیمت نواب مستطاب فتحعلی خان به اعانت شاه سلطان حسین صفوی	۵
در بیان احوال نواب خسرو منزلت محمّدحسن خان قاجار	۶
طغیان اهل مازندران	۸
تذکار در آمدن شاه پسند خان افغان به استرآباد	۱۱
مخاربه نواب سلطانی محمّدحسن خان قاجار با آزاد خان افغان	۱۲
	۱۴

- ۱۵ بیان کشته شدن نواب محمدحسن خان قاجار
- تفصیلات احوالات بندگان جهان پناه نواب مستطاب حسین قلی خان والد بزرگوار شهنشاه بزرگوار شهنشاه
- ۱۸ روزگار و شهریار جهان مدار حضرت صاحبقران - روحی فدا
- ۱۹ تفصیل احوال محمدخان دادوی سوادکوهی و گرفتاری آن
- ۲۱ محاربه مخالفین با قاجاریه و شهادت ایشان
- ۲۵ تفصیلات کلیات امورات پادشاه ذیجاه محمد شاه قاجار به فرمایش صاحبقران
- ۲۶ وقایع هزار و صد و نود و سه و مجادله پادشاهی با برادرانش مرتضی قلی خان و مصطفی قلی خان
- ۲۸ ذکر وقایع هزار و صد و نود و چهار
- ۲۹ بیان وقایع سال هزار و صد و نود و پنج
- ۳۰ وقایع سال هزار و یکصد و نود و شش و کیفیت آن
- ۳۱ تفصیل احوال مجادله حضرت صاحبقرانی و قادر خان عرب
- ۳۲ ذکر وقایع امیرگونه خان افشار
- ۳۲ وقایع عزیمت سمنان و دامغان و بسطام
- ۳۳ بیان وقایع سال هزار و صد و نود و هفت
- ۳۴ در ذکر گرفتاری کرفس خان اروس
- ۳۵ در بیان سور با سرور و عیش سراسر حبور
- ۳۶ بیان و تذکار در اظهار واقعات سال هزار و صد و نود و هشت
- ۳۶ ترسیل و تفصیل احوالات واقع سال هزار و صد و نود و نه
- ۳۹ توضیح احوالات سال هزار و دویست
- ۴۱ ذکر طفیان جعفر خان زند و وقایع هزار و دویست و یک
- ۴۴ وقایع سال هزار و دویست و دو
- ۴۴ در بیان رفتن جعفر خان زند به یزد و محاربه با امیر محمد خان عرب طبری
- ۴۶ تبیین مقال در احوالات سال هزار و دویست و سه
- ۴۸ بیان حادثات سال هزار و دویست و چهار
- ۴۹ امورات اتفاقیه سال هزار و دویست و پنج و عزیمت به آذربایجان
- ۵۴ بیان وقایع سال هزار و دویست و شش و عزیمت شیراز از طهران
- ۵۵ توضیح فرار لطفعلی خان و شکست ثانی آن

در توضیح احوالات سال هزار و دویست و هفت.....	۵۷
در بیان توجه شاهی به قتل ترکمانان.....	۵۸
در بیان وقایع سال هزار و دویست و هشت، تسخیر کرمان و گرفتاری لطفعلی خان زند.....	۶۱
در تفصیل واردات سفر سرکار جهانبانی.....	۶۴
در ذکر وقایع سال هزار و دویست و نه واردات سفر آذربایجان.....	۶۷
بیان تصرف قلعه ولایت تفلیس.....	۷۱
توضیح قتل مصطفی خان قاجار.....	۷۲
بیان وقوع سال هزار و دویست و ده، عزیمت سفر خراسان.....	۷۳
وقایع سال خجسته فال هزار و دویست و یازده.....	۷۷
انتباه پادشاه جمجاه و نظرنمودن در عواقب امور و ولیمهدکردن اعلی حضرت جهانبانی را به الهام ربانی.....	۸۲
واقعات عزم سلطان جهانگشا به جانب آذربایجان.....	۸۷
بیان تغال حضرت جهانبانی از دیوان خواجه حافظ.....	۱۰۰
عزیمت بندگان سکندرشان شهنشاهی به جانب دارالخلافه طهران.....	۱۰۳
وقایع جسارت های صادق خان شقاقی و کیفر او به مدد بخت جوان و نیروی تیغ بزان.....	۱۰۶
گفتار در جلوس میمنت مانوس شهریار جهاندار در سال نیکو فال هزار و دویست و دوازده.....	۱۱۶
ایراد فتنه محمد خان زند.....	۱۱۸
وقایع میمنت لزوم سال هزار و دویست و سیزده [که] سال دوم جلوس پادشاهی می باشد.....	۱۱۹
وقایع سال هزار و دویست و چهارده که سال سیم جلوس است.....	۱۲۵
ذکر عصیان جعفر خان بیات حاکم نیشابور.....	۱۲۶
ذکر مقاتله نایب السلطنه با جعفرقلی خان دنبلی و فتح خوی.....	۱۳۰
مقاتله شاهزاده محمود افغان با قیصر میرزا.....	۱۳۱
تفصیل احوال عروسی حسین علی میرزا.....	۱۳۲
ذکر دو ایلچی از فرمانفرمای هندوستان.....	۱۳۲
تفضیل ولایات فارس و مازندران به ملک زادگان مکرم حسین علی میرزا و محمدقلی میرزا.....	۱۳۲
وقایع و اوضاع سال هزار و دویست و یازده.....	۱۳۳
فرستادن جنرال ملکم بهادر را فرمانفرمای هندوستان.....	۱۳۳
تفصیل مجمعی از طایفه و قانون اروس و تسطیر شرح احوالات و قانون آنها.....	۱۳۴

- ۱۳۶ ذکر روانه نمودن نایب‌السلطنه به آذربایجان و حرکت موکب پادشاهی به خراسان
- وقایع سال پنجم سلطنت پادشاه مه‌رمه که سنه هزار و دویست و شانزده بود و گرفتاری حاجی ابراهیم‌خان
- ۱۳۸ شیرازی از واردات ماضی
- ۱۴۲ [آمدن] الله‌یار خان سیزواری به دربار سپهرآرا
- ۱۴۳ بیان اعتقادات عبدالعزیز و کیفیات احوالات آن
- ۱۴۵ وقایع سال هزار و دویست و هفده
- ۱۴۶ بیان عروسی حضرت دارادرایت نواب مستطاب نایب‌السلطنه عباس میرزا
- ۱۴۷ تنمّه احوال قیصر میرزا
- ۱۴۸ اتفاقات خیریت علامات سال نیکو فال هزار و دویست و هیجده و نتیجه طایفه گولکلان
- ۱۴۸ بیان مقال در گرفتاری نادر میرزا و تسخیر قلعه مشهد است
- ۱۵۰ در وقایع سال هزار و دویست و نوزده
- ۱۵۴ اظهار آمدن اشپخدر به دور قلعه ایروان و محاربه با آن
- ۱۵۵ شبخون آوردن روس
- ۱۵۶ خبر وفات حاجی خلیل خان در بندر سالی و آمدن مستودی و تعیین محقّدنی خان
- ۱۵۷ بیان آمدن فرستادگان ناصرالدین توره برادر کهتر میرحیدر پسر شاه‌مراد
- ۱۵۹ واقعات نیکو حال هزار و دویست و بیست
- ۱۶۰ بیان سفر حضرت نایب‌السلطنه به آذربایجان
- ۱۶۳ بیان مخالفت ابراهیم خلیل خان جوانشیر جهت اعتماد ایل قراباغ و قلعه شیشه
- ۱۶۴ بیان نیکو در سال هزار و دویست و بیست و یک و ذکر دعوای نایب‌السلطنه با پولکوتیک سردار روس
- ۱۶۷ کشته شدن اشپخدر
- ۱۶۸ وقایع سال هزار و دویست و بیست و دو و تفضیل حال علی پاشا
- ۱۷۱ وقایع قتل ابراهیم خلیل خان، [آمدن سفیر فرانسه]
- ۱۷۳ بیان شکست اروس از طایفه روسی
- ۱۷۴ حرکت محمودلی میرزا به جانب هرات و محاربه او با بزرگان افغان و صوفی اسلام
- ۱۷۵ سبب قتل علی پاشای بغداد
- ۱۷۶ آمدن میرزا رضای قزوینی
- ۱۷۷ وقایع سال خجسته وصال هزار و دویست و بیست و سه و شکستن عهد روسی صلح را

۱۷۸	بیان ورود بیر هر فرد جنس برون.
۱۷۹	بیان تحویل سال هزار دو دویست و بیست و چهار و ترسیل احوالات و وقایع آن سال
۱۷۹	روانه نمودن نواب محمّدعلی میرزا به مقابله روس
۱۸۰	بیان دعوای وهابی بستک و جهانگیریه
۱۸۱	وقایع سال هزار و دویست و بیست و پنج و ذکر کشته شدن سلیمان پاشا
۱۸۳	بیان ورود یاسین زاده عبدالوهاب افندی و شاکر افندی و حیرت افندی از درگاه قیصری
۱۸۴	بیان توجه اعلی حضرت شاهنشاهی به جانب چمن سلطانیّه
۱۸۴	اظهار واردات سال هزار و دویست و بیست و شش
۱۸۵	کیفیت کارزار عبدالرحمن پاشای بابان
۱۸۵	آمدن سرگور اوزلی ایلیچی
۱۸۶	بیان جنگ نایب السلطنه در سلطان بند
۱۸۷	در تفصیل واردات سال نیکو فال هزار و دویست و بیست و هفت
۱۸۷	مأمور شدن سرداران روس متوقف به سرحدات ایران از پترزبورگ به صلح بادولت ایران
۱۸۷	بیان کار عبدالله پاشا و عبدالرحمن پاشای بابان
۱۸۸	بیان لشکرکشی نواب محمّدعلی میرزا به بغداد
۱۸۹	ذکر اصلا ن دوز
۱۹۰	در تصدیق و تحقیق اتمام خجسته فرجام سال هزار و دویست و بیست و هشت
۱۹۱	بیان احوال خواجه کاشغری
۱۹۲	بیان آمدن رجب آقای بغدادی
۱۹۳	بیان حرکت پادشاهی به سمت اوجان آذربایجان
۱۹۵	در مخالفت امرای خراسان و نفاق رأی آنان در انهدام نواب محمّدولی میرزا
۱۹۷	بیان عزیمت خوش ییلاق و حدود خراسان
۱۹۷	وقوع طغیان محمّدزمان خان قاجار
۱۹۸	بیان حرکت اسمعیل خان سردار با کامران میرزای افغان
۱۹۹	بیان ورود محمّد رحیم خان والی ولایت اورگنج به سرحدات خراسان و استرآباد
۲۰۱	بیان عزیمت قم و کاشان
۲۰۰	ذکر تعیین سرداران به خراسان
۲۰۱	در واردات سال هزار و دویست و بیست و نه

- ۲۰۲ ذکر غارت یموت و ترکمانان دشتی
- ۲۰۴ بیان خرم‌نشان سال یک هزار و دویست و سی
- ۲۰۶ در کیفیت احوال راقم و مأمور شدن به عراق
- ۲۰۸ بیان حرکت پادشاهی به خوش‌بیلاق
- ۲۰۸ بیان احوالات سال هزار و دویست و سی و یک
- ۲۱۰ بیان احوال و اوضاع واردات سال هزار و دویست و سی و دو
- ۲۱۱ بیان آمدن میرزا ابوالحسن خان
- ۲۱۲ بیان عیش علی‌شاه و الله‌ویردی میرزا
- ۲۱۲ بیان حرکت اردوی ظفر قوام به سلطانیته
- ۲۱۳ کیفیت ایلچی روس
- ۲۱۴ تذکار در تفرّج مازندران
- ۲۱۴ وقایع سال بهجت‌مآل هزار و دویست و سی و سه
- ۲۱۶ حرکت اردوی همایون از چمن میدان جوق به ولایت خراسان و انهدام [محمد] رحیم خان
- ۲۱۸ خاتمه در اظهار و تذکار وقایع بیست ساله ابد مدت به سعی بنده درگاه محمود
- ۲۲۰ احوالات واردات سال هزار و دویست و سی و چهار
- ۲۲۰ ذکر فوت صدر در خراب قزوین
- ۲۲۲ واردات صادرات روزگار خجسته و سال مبارک هزار و سی و پنج
- ۲۲۳ گزارش اجتماع صوفیه به دور محفدرضا میرزا در گیلان
- ۲۲۵ احوالات خجسته‌فال و مآل سال هزار و دویست و سی و شش
- ۲۲۶ اجمالی از فتوحات نواب مستطاب ولیعهد عباس میرزا
- ۲۲۷ بیان فوت مرحوم شاهزاده محمّدعلی میرزا
- ۲۳۱ وقایع سال هزار دو دویست و سی و هفت
- ۲۳۱ تفصیل غزای نایب‌السلطنه با چوپان اوغلی
- ۲۳۴ عزیمت خاطر مبارک به طرف بغداد
- ۲۳۷ وقایع سال هزار دویست و سی و هشت
- ۲۳۷ داستان مناز و مندلیج
- ۲۳۸ ذکر مأمور شدن نواب علی‌نقی میرزا به خراسان

بیان مرخصی جناب شیخ موسی	۲۳۹
بیان آمدن نجیب افندی	۲۳۹
در ذکر احوالات [۲۲۷] سال هزار و دویست و سی و نه هجری	۲۴۰
بیان فوت صدر	۲۴۰
بیان عزل نواب حجت‌السلطان علی‌نقی میرزا از ولایت خراسان	۲۴۲
ذکر اوضاع و احوال سال هزار و دویست و چهل	۲۴۳
وقوع شورش گیلان	۲۴۴
آمدن رحم‌قلی توره	۲۴۵
واقعات سال هزار و دویست و چهل و یک	۲۴۶
بیان آمدن جناب آقا سید محمد [طباطبایی]	۲۴۶
بیان امورات لرستان و عربستان	۲۴۷
بیان عزیمت سفر پادشاهی به آذربایجان	۲۴۸
خبر وصول شجاع‌السلطنه به هرات	۲۵۰
بیان آمدن الله‌قلی توره	۲۵۲
احوالات و وقایع سال هزار و دویست و چهل و دو	۲۵۴
بیان سفر صاحبقران به آذربایجان	۲۵۶
بیان تصرف قلعه عتاس‌آباد	۲۵۶
ذکر مجادله نایب‌السلطنه با روسیه	۲۵۸
بیان تسخیر قلعه سردارآباد	۲۶۰
وقوع تسخیر قلعه ایروان	۲۶۱
وقوع شورش [عبدالرضاخان] یزدی به نواب محمّدولی میرزا	۲۶۶
در ورود بهار و تذکار احوالات سال فرخنده‌قال هزار و دویست و چهل و سه	۲۶۸
ذکر آمدن گریبایدوف ایلچی به طهران و کشته شدن آن	۲۶۹
در تفصیلات وقایع سال هزار و دویست و چهل و چهار	۲۷۱
ذکری از ورود نواب خسرو میرزا	۲۷۳
گفتار در حرکت شهریار به طرف فارس و خوزستان و لرستان و اکثر ولایات عراق	۲۷۴
وقایع و نگارش احوالات واردات سال هزار و دویست و چهل و پنج	۲۸۲

داستان آشوب و بروز فساد فی مابین صاحب اختیاران کرمانشاهان و لرستان و عربستان	۲۸۳
تذکار در امورات و انجام کارهای یزد و کرمان	۲۹۱
گفتار وقایع سال هزار و دویست و چهل و شش	۲۹۵
گفتار واردات سال هزار و دویست و چهل و هشت	۲۹۹
بیان فتح امیرآباد	۳۰۰
تفصیل منازعه و جدال و اجرای مخاصمه و قتال نوابان حسام السلطنه محمدتقی میرزا	۳۰۱
بیان حرکت فرمانفرما به کرمان از فارس و کشته شدن ارغون میرزا فرزند حسن علی میرزا	۳۰۷
بیان تسخیر قوچان	۳۰۹
گفتار در فتح ولایت سرخس	۳۱۱
بیان در آمدن سیف الدوله از اصفهان	۳۱۳
تصویر نسخه های خطی	۳۱۷
نمایه ها	۳۲۱
نامها	۳۲۳
جایها	۳۳۹
خاندانها	۳۵۱
پیشه ها و مناصب	۳۵۳
کتابنامه	۳۵۵

مقدمه مصحح

عصر قاجار یکی از اعصار مهم تاریخ ایران به شمار می‌رود. قاجارها طایفه‌ای بودند که هنگام تأسیس سلسله صفویه در منطقه قراباغ آذربایجان اقامت داشتند و شاه اسماعیل صفوی را در رسیدن به قدرت و حکومت یاری دادند.^۱ از آن پس، آنان طایفه‌ای قدرتمند در تاریخ صفویه به شمار آمدند و کم‌کم با افول قدرت پادشاهان صفوی، زمینه قدرت‌یابی آنان فراهم آمد و توانستند تا حدی موفقیت‌هایی کسب کنند اما نتیجه مطلوب را حاصل نکردند تا اینکه با مرگ کریم‌خان زند (۱۱۹۳ ق)، آقا محمد خان قاجار از شیراز گریخت، به استرآباد رفت و در جهت کسب قدرت سیاسی کوشید. او از سال ۱۱۹۳ ق تا ۱۲۱۰ ق پی در پی به سرکوبی مدعیان تاج و تخت پرداخت و سرانجام طی نبردی لطفعلی‌خان زند را شکست داد (۱۲۰۹ ق) و مردم کرمان را قتل‌عام کرد. در واقع، او با اعمال سیاست زور و تطمیع اوضاع مملکت را سامان داد، وحدت ملی ایران را دوباره احیا، و مرزهای جغرافیایی ایران را تثبیت کرد، ولی با غفلت از تحولات بین‌المللی و رقابت دول استعماری با یکدیگر که در صدد دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس و اقیانوس هند و تسلط بر کشور هند و یافتن مواد اولیه و بازار فروش بودند، ضربات جبران‌ناپذیری به کشور وارد ساخت، زیرا او بدون توجه به مسائل خارجی تنها

۱. برای اطلاع بیشتر در این زمینه نک: نقش ترکان آناطولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی.

هم خود را مصروف اوضاع داخلی کرد. کاترین دوم امپراتور روسیه نیز با استفاده از این فرصت به منظور توسعه نفوذ خود در شمال ایران، تحرکات نظامی خود را آغاز کرد. روس‌ها ابتدا در شمال قفقاز استحکامات نظامی به وجود آوردند و دیری نپایید که روانویچ تاجر به اجازه آقا محمدخان در بندر اشرف (بهشهر کنونی) تجارتخانه‌ای تأسیس کرد. بابا خان (فتحعلی شاه) حاکم مازندران بعد از آنکه از اهداف توسعه‌طلبانه روس‌ها زیرلوی تجارت باخبر شد و ماجرا را به اطلاع آقا محمدخان رساند، دستور تخریب تأسیسات نظامی روس‌ها را داد. سرانجام روس‌ها بر اثر تهدیدهای دولت ایران استحکامات مزبور را ویران و خاک ایران را ترک کردند اما کاترین دوم که درصدد تحکیم موقعیت خود در منطقه بود، متوجه گرجستان شد و طی قراردادی با اراکلی خان حاکم آن ناحیه که در اندیشه استقلال و جدایی از ایران بود، گرجستان را زیر چتر حمایت نظامی روسیه درآورد و از او به عنوان تزار گرجستان یاد کرد. از سوی دیگر دولت روس برای جلب اعتماد خوانین ماوراء ارس تلاش ورزید. آقا محمدخان با شنیدن این خبر، نامه‌ای به اراکلی خان نوشت و خواهان قطع ارتباط وی با دولت روس شد ولی چون او زیر بار نرفت، آقا محمدخان عزم نبرد با او کرد و در حمله‌ای غافلگیرانه وی را شکست داد، سپس در محرم ۱۲۱۰ ق به تغلیس حمله کرد، آنجا را گرفت و غارت کرد.

آقا محمدخان پس از بازگشت به تهران، سرانجام در زمستان ۱۲۱۰ ق تاج‌گذاری کرد و به خراسان رفت تا بقایای بازماندگان نادر شاه افشار از جمله شاه رخ شاه را از میان بردارد. در این ایام کاترین درصدد حمله مجدد به ایران برآمد. در اواخر ۱۲۱۰ ق گداویچ با هشت هزار نیرو به سوی گرجستان حرکت کرد و ژنرال زوبوف که برخی منابع ایرانی نام او را «قلز ایاغ» خوانده‌اند، به وی ملحق شد. در همین هنگام که اردوی ایران نیز مهیای نبرد علیه قوای روس بود، کاترین دوم در جمادی الاول ۱۲۱۱ درگذشت و پسرش پل به حکومت رسید. تزار جدید سیاست دیگری در ارتباط با ایران در پیش گرفت و دستور بازگشت سپاهیان روس را از سرزمین ایران داد.

با مرگ آقا محمدخان و روی کار آمدن فتحعلی شاه، فصل تازه‌ای در تاریخ ایران به

ویژه روابط دولتی ایران و روس رقم خورد و ایران بیش از پیش کانون رقابت دول استعماری قرار گرفت. ناپلئون برای تسلط بر هندوستان و تحقق آمال خود، باید از ایران می‌گذشت. انگلستان نیز برای حفظ هندوستان ناگزیر به حفظ نفوذ و دوستی خود با ایران بود و روسیه نیز برای دستیابی به آبهای آزاد جهان خواهان نفوذ در ایران بود.

با مرگ ارکلی خان (۱۲۱۳ ق)، پسرش گرگین خان جانشین او شد. از آنجا که او طرفدار صلح با ایران بود، نامه‌ای به فتحعلی شاه نوشت و خود را حاکمی برای مرزبانی از کشور ایران در قفقاز برشمرد ولی چون فتحعلی شاه فرزند ارشد او را به عنوان گروگان خواست، وی به طرف دولت روسیه بازگشت و عاقبت به موجب عهدنامه‌ای که بین گرگین خان و تزار روس در جمادی الاول ۱۲۱۴ در تفلیس منعقد شد، داود فرزند ارشد گرگین خان و اعقاب او نایب السلطنه گرجستان به شمار آمدند و دولت روسیه به آنان که از طرف تزار بر گرجستان حکومت می‌کردند، مبلغ ۸۲۰ هزار فرانک پرداخت. دیری نپایید الکساندر که در ایران مشهور به اسکندر میرزا بود، سر از اطاعت برادرش، گرگین خان، که حاکم تفلیس بود، پیچید و به دربار فتحعلی شاه آمد و از وی تقاضای کمک کرد. اما فتحعلی شاه چون در این ایام درگیر سرکوبی مدعیان داخلی سلطنت بود، آنچنان که باید و شاید نتوانست به مسئله و مشکلات ماوراء ارس بپردازد و پاسخ مناسبی به الکساندر دهد. بنابراین او خود به ماوراء ارس رفت و نیرویی جمع کرد و علیه روس‌ها به کارزار پرداخت ولی در برابر ژنرال کالیسکوف و ژنرال لازاروف شکست خورد و بار دیگر به ایران آمد.

در شعبان ۱۲۱۵ ق گرگین خان درگذشت و پل تزار روس نیز در ۱۵ شوال همان سال به قتل رسید و فرزندش الکساندر پاولویچ بر تخت سلطنت جلوس کرد. او ژنرال پاول دیتمتریویچ سپیانف را به حکومت گرجستان منصوب کرد که بعدها در میان مردم ایران به «ایشپخدر» معروف شد و نقش مهمی در روابط ایران و روسیه ایفا کرد. الکساندر اول تزار روس بعد از مدت کوتاهی بیانیه الحاق گرجستان به روسیه را امضا کرد و با ایران

وارد جنگ شد. بدین ترتیب فتحعلی شاه که بی خبر از اوضاع جهانی روزگار را در سرکوبی مدعیان داخلی و دلمشغولی با زنان حرمسرا می گذراند، درگیر نزاع طولانی با دولت روس شد. نخستین دوره جنگ از سال ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۸ ق به طول انجامید و دوره دوم جنگ های دو کشور در سال ۱۲۴۱ ق در گرفت که تا ۱۲۴۳ ق تداوم یافت. حاصل این نبردها صرف نظر از کشتار و ویرانی، به انعقاد دو قرارداد ننگین «گلستان» و «ترکمن چای» انجامید و نیمی از سرزمین ایران از دست رفت و سرزمین های وسیعی در ازان و ارمنستان از ایران جدا شد.

با توجه به مطالب ذکر شده در باب تاریخ عصر حکومت فتحعلی شاه علت اهمیت و توجه محققان و پژوهشگران به این دوره تاریخی مشهود است. از آنجا که برای نگارش تاریخ این دوره و ترسیم اوضاع نابسامان ایران بررسی و پژوهش منابع تاریخی آن عصر ضروری است، اهمیت متون تاریخی آن عصر نمایان است.

با نگاهی به منابع و مآخذ عصر فتحعلی شاه در می یابیم کتب بسیاری به دستور این پادشاه قاجاری در زمینه تاریخ و ادبیات به رشته نگارش درآمده تا شوکت، اقتدار و قدرت ایل قاجار به تصویر کشیده شود و از دیگر سو آنان را طایفه ای اصیل و شایسته فرمانروایی معرفی کنند. ویژگی مشترک این منابع، ذکر اصل و نسب قاجاریان و شرح قدرت نمایی های آنان برای کسب قدرت و پیروزی آقا محمدخان بر رقیبان و تأسیس سلسله قاجار است. برخی از این منابع به چاپ رسیده اند و در دسترس محققین و پژوهشگران قرار دارند که عبارتند از: تاریخ ذوالقرنین تألیف میرزا فضل الله خاوری شیرازی منشی فتحعلی شاه که حوادث تاریخی سلسله قاجار را تا ۱۲۶۷ ق در بردارد.^۱ دنباله آن به نام «خاتمه روزنامه همایون» در شرح احوال فرزندان، نوادگان و ۲۳ تن از امرا و وزرای فتحعلی شاه است.^۲

۱. این اثر به تصحیح ناصر افشارفر در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.

۲. نک: فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی، ج ۶، ص ۴۲۴۲: Storey, p. 337.

تاریخ جهان‌آرا تألیف میرزا محمدصادق مروزی وقایع‌نگار که مشتمل بر دو جلد است و وقایع دوره سلطنت فتحعلی شاه را از ۱۲۱۲ تا ۱۲۳۳ ق در بردارد. نسخه‌ای از این اثر در کتابخانه ملی تحت عنوان «وطب‌السان» موجود است که کامل نیست و وقایع ده سال نخست فتحعلی شاه را داراست. تاریخ جهان‌آرا در باب تاریخ جنگ‌های ایران و روس حائز اهمیت است.^۱

مآثر سلطانیه تألیف عبدالرزاق دنبلی. مؤلف از آنجا که در دیوان انشای عباس میرزا نایب‌السلطنه کار می‌کرده و در آذربایجان حضور داشته و وقایع تاریخ قاجار را تا ۱۲۴۱ ق نگاشته به تفصیل نیز راجع به جنگ‌های ایران و روس سخن گفته است. این کتاب به تصحیح غلامحسین صدیقی افشار و بار دیگر به تصحیح دکتر زرگری‌نژاد منتشر شده است. همچنین به زبان انگلیسی نیز ترجمه و در ۱۸۳۳ م در لندن به چاپ رسیده است.^۲

تاریخ محمدی یا احسن التواریخ تألیف محمدتقی ساروی که مؤلف آن را به دستور فتحعلی شاه در شرح خاندان قاجار از ابتدا تا آغاز سلطنت وی نگاشته است. ادامه این اثر به نام تاریخ فتحعلی شاه توسط همین نگارنده نوشته شده که شامل تاریخ دوره حکومت فتحعلی شاه از ۱۲۱۲ تا ۱۲۱۷ ق است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است.^۳

ناسخ‌التواریخ تألیف محمدتقی لسان‌الملک سپهر از معروف‌ترین منابع قاجاری است که به تفصیل به شرح وقایع دوران فتحعلی شاه پرداخته و حوادث تاریخی را تا عصر ناصری ادامه داده است.^۴

۱. نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، ج ۱، ص ۳۲؛ Storey. p. 336.

۲. نک: مآثر سلطانیه، مقدمه کتاب، ص ۶.

۳. این اثر به تصحیح غلام‌رضا طباطبایی مجد در سال ۱۳۷۱ در انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است.

Reiu, vol I, p. 200; Storey, Section II, p. 332.

۴. این اثر به تصحیح جمشید کیان‌فر در سال ۱۳۷۷ در انتشارات اساطیر به چاپ رسیده است.

اکسیرالذواریخ تألیف علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه از پسران فتحعلی شاه که کتاب را به دستور محمد شاه قاجار درباره وقایع تاریخ قاجاریه از ابتدا تا سال ۱۲۵۸ ق نوشته و بیشتر به شرح احوال شاعران و شاهزادگان و شعرای آن دوره پرداخته است.^۱

اشرفالذواریخ تألیف محمدتقی نوری نیز از مفصل ترین منابعی است که به دستور محمدولی میرزا حاکم خراسان درباره دوره نخستین فرمانروایی قاجارها به ویژه فتحعلی شاه نوشته شده است. این اثر به جهت درج وقایع مربوط به دوره حکومت محمدولی میرزا در خراسان در طی سالهای ۱۲۱۸ تا ۱۲۳۱ ق حائز اهمیت است. از دیگر ویژگی های کتاب ذکر شرح حال امرا، منشیان، مستوفیان و بزرگانی است که با محمدولی میرزا همکاری داشته اند.

با وجود این آثار منتشره، هنوز شمار زیادی از منابع مهم این عصر منتشر نشده اند که چاپ و انتشار آنها جهت پژوهش این دوره تاریخی سودمند است و سبب می گردد تا پژوهش های دقیق تری در زمینه تاریخ عصر قاجار به عمل آید. تاریخ صاحبقرانی از جمله این منابع است که می تواند راهگشای پژوهشگران و مورخان برای بررسی بخشی از تاریخ قاجاریه باشد.

شرح حال مؤلف

محمود میرزا قاجار پسر فتحعلی شاه (حک: ۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق) و مریم خانم بود. این بانو از زنان یهودی شیراز بود که به دین اسلام گروید و به واسطه زیبایی خاصی که داشت به دربار قاجار راه یافت و ابتدا به عقد آقامحمدخان قاجار درآمد. چون آقا محمدخان در قلعه شوشی به قتل رسید، فتحعلی شاه و برادرش حسین قلی خان هر دو خواستار این بانو شدند. از این رو، بین دو برادر اختلاف افتاد اما در این بین، بخت با فتحعلی شاه یار بود و توانست بر رقیب پیروزی یابد و مریم خانم را به عقد ازدواج خود

۱. این اثر به تصحیح جمشید کیانفر در سال ۱۳۷۰ در انتشارات وسمین منتشر شده است.

درآورد. حاصل پیوند فتحعلی شاه با این بانو یازده فرزند بود که پنج تن از آنان در زمان حیات فتحعلی شاه درگذشتند و چهار پسر و دو دختر باقی ماندند: همایون میرزا متخلص به حشمت، احمدعلی میرزا متخلص به احمد، جهانشاه میرزا متخلص به جهان، محمود میرزا متخلص به محمود (مؤلف همین کتاب)، شاه‌بیگم ملقب به ضیاء السُلطنه زن میرزا مسعودخان انصاری گرمرویی دومین وزیر امور خارجه عصر قاجار و سلطان‌بیگم زن مهدی‌قلی خان قاجار دولو.

محمود میرزا در روز سه شنبه ۱۲ صفر ۱۲۱۴ق متولد شد. چهار ساله بود که فتحعلی شاه او را به صدراعظم خود میرزا محمدشفیع مازندرانی سپرد تا زیردست وی تربیت شود. محمود میرزا در این باره می‌نویسد:

چون دبیر عطاردقلم صدراعظم میرزا محمدشفیع وزیر به توسلی می‌خواست راه امان و سلامت جان از عقبات خسروانی و از مکافات شاهانه حاصل نماید که هنگام کج‌خوانی نویسندگان بدگو نجات و در دولت خود ثبات یابد، چاره جز پرستاری یکی از نوباوگان سلطنت که مهمش یاری و بهر کاری قرار دهد، ندید. لابد صورت مدعا را به لباس درست درآورده، در موقعی که دعایش به هدف اجابت مقرون و مدعایش میسر آمد، به عرض قبله حاجات شهنشاه کیهان‌خدا جلوه داد، از طریق رضاجویی امر ملکی به پرستاری و نگه‌داری ملک‌زاده‌ای رفت و جنابش از چهل و شش پسر مختار فرمودند که هر کدام به عاقبت‌اندیشی او محمود آید، اختیار کند. چشم متاع‌بیش در دکان هنر به من افتاد و از کاخ شاهانه به کلبه محقرانه خود منزل داد.

محمود میرزا مدت دوازده سال در خانه صدراعظم ماند و در طی این مدت گاهی در رکاب مستطاب شهریاری به سفر می‌رفت که از آن جمله می‌توان به دو سه سفر وی به تبریز و اوجان، سه چهار سفر به چمن سلطانیّه و دو سه سفر به خوش‌بیلاق و بعضی از نواحی خراسان اشاره داشت. او همچنین به فراگیری علوم مختلف همت گمارد و محضر اساتیدی چون میرزا عبداللطیف لاریجانی، حاج علی‌اکبر خویی، ملا حاجی

محمد اصفهانی، میرزا رضای مجوس، ملا مراد خراسانی، میرزا ابوالقاسم همدانی، ذبیح نهاوندی، ملا حسن علی مازندرانی، میرزا عبدالوهاب نشاط و میرزا یوسف طرب را درک کرد. خط تعلیق را نزد میرزا عبداللطیف لاریجی، کتاب علیشیر نوایی و اشعار ترکی را نزد حاجی علی اکبر خویی آموخت، ملا حاجی محمد اصفهانی به وی آداب قرائت و رسوم عبارت را آموزش داد، میرزا رضای مجوس ریاضی اقلیدس و ملا مراد محکّمات و متشابهات و ملا مراد خراسانی علم اخلاق را به وی تعلیم دادند. بدین ترتیب محمود میرزا در زمره یکی از شاهزادگان با فضل قاجاری درآمد.

او در سال ۱۲۲۹ ق به حکومت نهاوند رسید و به امید آنکه کم‌کم ولایات دیگر به قلمرویش افزوده شود، روزگار را سپری کرد اما مرگ صدراعظم در قزوین، امیدهای وی را به یأس تبدیل کرد و او به ناچار به همان حکومت نهاوند قناعت ورزید. محمود میرزا به تفصیل در کتاب «گلشن محمود» و «تذکره السلاطین» راجع به این مسئله سخن گفته است. محمود میرزا از سوی دیگر برای آنکه بتواند نظر شاه را به طرف خود معطوف نماید و بر برادران خود فایق آید، چندی به استقاری و تیراندازی پرداخت و فن سپاهیگری آموخت و در این راه به مرتبه‌ای رسید که هران سپاه به استادی وی اعتراف کردند ولی با این وجود آمالش تحقق نیافت. از این رو، می‌نویسد: «با این همه رنج به من ماند و شاه همه‌دان و همه‌بینم آفرین نخواند».^۱ پس اوقاتش را به مشق خط مصروف ساخت و در این راه چنان پیشرفت کرد که از باب فن از آن لذت برده و خوشنویسان آن را سرمشق خود قرار دادند. مدتی نیز به آموختن علم نجوم، طب و حکمت الهی پرداخت و در این راه تلاش زیادی ورزید اما باز چنان‌که خود تصریح می‌کند «چون از قوه به فعل آمد بر هر که سرودم که طیبیم، تن به درد می‌داد و رو به درمانم نمی‌آورد؛ بر هر که گفتم حکیمم، به ننگ قشرین رضا می‌داد و به سوی حکمت نمی‌دید». از این رو، به کارهای عمرانی روی آورد و عمارات خوب و قصرهای زیبا ساخت. او «ضرابخانه نهاوند» را احیا و راه‌اندازی

کرد و علامت آن را هم «ماه بصر» قرار داد.^۱ قلعه نه‌اوند را با نام جدید «روئین‌دژ» در سال ۱۲۳۲ق از نو بنا کرد.^۲ او این دژ را مرکز قدرت نظامی خود ساخت و مبلغ هشتاد هزار تومان صرف بازسازی آن کرد. محمود میرزا درباره این بنا در کتاب خود تذکره السلاطین چنین گزارش می‌دهد:

برج و باره همکفه گنبد هرمان که از یک پارچه سنگ رخام است، و یک رویش دیواری ده ذرع قطر و سی ذرع ارتفاع مسمی به روئین‌دژ مشتمل بر انبارهای لاتعد مشحون از امتعه و اطعمه و مملو از مستحبات واجبه و مبرذات لازمه، ایوان‌های زراندود و قصرهای آینه‌آمود. بروجش از ارتفاع همدوش بروج افلاک و صحنش آرایش ده عالم خاک، به علاوه سالی نود هزار عمله در مدت هشت سال به خرج سرکاران حسابی مقرر آمد که افزون از چهار هزار تومان اجرت آنها شده که سی و دو هزار تومان اجرت عمله آن شد. سایر اجرت از قبیل بنا و حجار و قیمه سنگ و مصارف دیگر را از این رو قیاس می‌توان نمود. شاید در صفحه امکان مکانی به این دلنشینی موجود نباشد و وجود مثلش مفقود باشد.

در گورستان قدیمی شهر نه‌اوند بر روی مزار پاشا خان نواده محمود میرزا سنگی موجود است که کتیبه بنای روئین‌دژ است و معلوم نیست چرا به جای سنگ قبر به کار رفته است. متن سنگ چنین است:

حسب‌الحکم شاهزاده محمود میرزا قاجار خانی والاتبای فی شهر ۱۳ صفر سنه ۱۲۳۲ق وفات مرحمت و غفران‌پناه، خلد آشیان شاهزاده پاشاخان امیرتومان - غفرله - خلف مرحمت‌پناه، رضوان‌آرامگاه، شاهزاده حاجی محمدزمان میرزا نواده شاهزاده محمود میرزا، در زمانی که حسام ملک در روی زمین از حوادث شده روئینه‌دژ دولت و دین

۱. نک: نه‌اوند به استناد سکه نوشته‌ها، صص ۶۸-۸۱.

۲. قهرمان میرزا عین‌السلطنه در روزنامه خاطرات خود اطلاعات مفیدی درباره این قلعه به دست می‌دهد. نک: روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج ۱، صص ۴۷۵-۴۸۰.

شاه شاهان جهان فتحعلی شاه که هست	از جهانبان، به جهاندادگری پاک‌آیین ^۱
شاه محمود که شه راست همایون فرزند	هان چه فرزند به منصوبه شاهان فرزین
آنکه شد حضرت او سجده‌ده یال ینال	آنکه شد سدره او تکیه‌گه جان نکین
در نهادند گه از عدل قوی پنجه او	پنجه فرزش در پنجه فردوس برین
زر برافشاند و برافراخت مر این رویین‌دژ	که پی و پایه به ماهی و مهش داد آیین
پاره‌یی گر شودش وهم کسی بام‌گرای	خندقی گر بودش هوش تنی بوم‌گزین
گر بود کاووس از هیبت کیوان به‌هراس	گر بود قارن از ناله قارون به انین ^۲

۱. در دیوان اشعار ملک‌الشعرا فیض‌علی خان صبا، ص ۴۲۶ ابیات زیر آمده است:

بر خدایان مهین اوست خداوند بزرگ بر تکیان بزرگ اوست شه‌نشا مهین
جسم اجرام چو ترکش به دین تیر اوژن جوف افلاک چو گردیش به کین قیرآگین

۲. در دیوان اشعار ملک‌الشعرا فیض‌علی خان صبا، حصص ۴۲۶-۴۲۸ بعد از بیت «گر بود کاووس از هیبت کیوان به‌هراس...» ابیات زیر آمده است:

هم ز زر آخت بسی قصر در این رویین‌دژ که فروردین همه برتر ازین چرخ برین
نقش بستارش به هر صفه بهشتی به بهشت کش به آزار ز آذر به فر از فروردین
رزمگاهش که به ایوان دل کیوان بدرد از به از نمره رویین و ز نای زرین
صورت رزمگشش را که ز شمالستان چنین آژرم بر ابرو زده بتخانه چنین
گسر نسبوشا ز چه از راه دم رامشگر کور بین او چه از ماه رخ حسودالعیین
و آنکه شد شیمه شایسته او مالک ملک و آنکه شد دین فرخنده او دایه دین
آنکه چون شعله جواله چو در آذر رزم آنکه چون جمره اگاله چو در آتش کین
نوش کاهد تن خود زو ز چه از ضعف قران کام خاید لب خود زو ز چه از بیم قرین
گو قران سازد آن بان پیلان دمان گو قرین باشد این با دم شیران عرین
بازه نازد چو به کین از در آرایش ملک نیزه یازد چو به زین از ره پیرایش دین
خاک در ناله کزین پس من و هنجار فلک چرخ در مویه کزین پس من و آهنگ زمین
گردی او شیرشکن کاین ز پی خام کمان ترکی او دال شکر کاین ز در نیر گزین
دل دستان ز چه از بیم پسر و یله‌گرای جان بهمن ز چه از سوگ پدر مویه گزین
ناله فسیصر از داهیه کسانجر گمرینه مهراج از حادثه قسطنطنین
آن جوانبخت که چون پای گذارد بر تخت آن جهانسوز که چون جای گزیند بر زین
آسمان بر دل کان خمچه آتش‌افروز آسگون بر نم بم دمه آذر برزین
چون کرم گسترده از بحر گهرخیز شگفت چون سخن آورد از لعل شکرریز متین

الغرض یافت چو آرایش انجام چنان الغرض دید چو پیرایه انعام چنین
منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت که «بود ثانی رویینه دژ این حصن حصین»

یوسف نهاوندی متخلص به انیس نیز دربارهٔ احداث این قلعه سروده:

روئین دژی بنا کرد محمود شاه قاجار زان سان که بُرد غیرت بر وی سپهر دواز
آتش به روح بخشی روشن چو آب کوثر خاکش به عطربیزی دلکش چو مشک تاتار
پیش چنین خندیدی در این مکان عالی دیگر مگوی ای دل از سنج و ز سنجار
خه‌خه چه طرف حصنی معمور و نغز و محکم کآمد ز بدو ایجاد دست قضاش معمار
در آن دژ همایون چون ساز سور سازند زهره به رقص آید ز آواز بریط و تار
کلک انیس شادان تاریخ آن رقم کرد «روئین دژی بسا کرد محمود شاه قاجار»^۱

با توجه به مصرع آخر تاریخ بنا سال ۱۲۸۳ می شود از آنجا که انیس نهاوندی به قولی در سال ۱۲۳۸ و به روایتی ۱۲۳۷ ق درگذشته، این تاریخ صحیح به نظر نمی آید. از سوی دیگر نیز به استناد تاریخ سنگ نبشته‌ای که از این اثر باقی مانده تاریخ تعمیر این قلعه سال ۱۲۳۲ ق است که باز با ماده تاریخی که انیس نهاوندی ذکر کرده مطابقت ندارد. ملأ حسن نهاوندی معروف به معلم نیز دو بیتی دربارهٔ انعام بنای روئین دژ سروده:

همایون برج روئین دژ ز رفعت رشک گردون شد ز رشک ارتفاعش چرخ گردون را جگر خون شد
حسن بنوشت تاریخ از برای سال اتمامش بهین برجی همایون از همایون شد
محمود میرزا در سال ۱۲۳۹ ق مدرسه‌ای نیز به نام «مقام محمود» یا «محمودیه» در

→

ابر گریان بچه بر تنگ دل آبگون برق خندان بچه بر سرد دم فروردین
دم پاکش چو کند لعل به شکر پیوند نی کلکش چو کند مشک به کافور عجین
بفسرد آب ز شرمش بر رخ لعل بدخش خون شود مشک ز رشکش به دل نافه چنین

۱. نک: سفینه‌المحمود، ج ۱، ص ۱۷۲: «بنا کرده. در این صورت تاریخ بنای آن ۱۲۳۸ ق است ولی صحیح آن سال ۱۲۳۵ ق است.

محلّه راسته آمیرزا آقا ساخت که محلّ تجمع طُلاب و علمای بزرگ عصر خود بود و علاوه بر طُلاب نهاوند عدّه زیادی از طُلاب شهرهای مجاور نیز برای کسب دانش به آنجا آمده و مشغول تحصیل می شدند. این مدرسه تا سال ۱۳۱۷ ش پا برجا بود و در این سال به وسیله آقای مینایی، رئیس فرهنگ وقت، مدرسه جدیدی به جای آن ساخته شد. ابتدا دبستان شش کلاسه‌ای به نام «دبستان سعدی» و سپس «دبیرستان فیروزان» فعلی در آن دایر گردید. در ابتدای درب ورودی سالن سمت راست در اطاق کوچکی سنگ‌نبشته‌ای بر دیوار نصب شده که سنگ بنای مدرسه مذکور است. متن آن چنین است:

حسب الحکم شهشهاده‌زاده عادل عالم محمود میرزای قاجار این مدرسه مسمی به مقام محمود به اتمام رسید «وَمِنْ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً»^۱ سنه ۱۲۳۹ ق پرورده نعمت عبداللطیف لاریجانی.^۲

«باغ شاه» از دیگر مستحدثات محمود میرزا در نهاوند بود که خود راجع به آن می نویسد:

باغ شاه حسب الامر پادشاهی به اتمام رسید. بیش از صد هزار نهال در آنجا مغروس است. در عرض باغ مذکور رودی به مقدار پنجاه سنگ آب جاری است و متصل سیلان دارد. عمارت رفیع بسیار بزرگی در وسط آن گلستان واقع است مسمی به «روضه خاقان» و دیوار قلعه مانند که خرد خرده بین از تماشایش محو است و چشم دورنگر از نظاره اش واله و شیدا، زیاده از ده هزار تومان به مخارج آن مصرف شده است.

محمود میرزا در تذکره السلاطین از آثار دیگری که خود بنا یا تعمیر کرده سخن گفته است. از آن جمله قصری به نام پسرش مسعود میرزا، «منظر محمود» که به اسم خودش خوانده، «گلشن احمد» به اسم برادر کهنترش، «بازار ضیا» نزدیک به تیمچه همایون، «تیمچه همایون» واقع در کنار دیوار قیصریه ابتدای بازار بزازها، بقعه «امامزاده محمد»،

بقعه «امامزاده سراب‌گیان معروف به بابااحمد»، بقعه «شیخ ابوالعباس نهاوندی» و بقعه «بدیع‌الزمان» می‌توان اشاره داشت.

آرامگاه امامزاده محمد فرزند حضرت موسی بن جعفر (ع) واقع در بازار مسگرها در ضلع خاوری قیصریه است. هنگام ورود به آستانه بیرونی آرامگاه باید از میان دو لنگه در قدیمی رو به قبله که احتمالاً مربوط به زمان محمود میرزا قاجار است، گذشت. گنبد فعلی بنا نیز به فرمان محمود میرزا ساخته یا تعمیر شده بوده است و اشعاری از ملاحسن معلّم در اطراف بقعه دیده می‌شود که تاریخ تعمیر آن را می‌رساند: «زد رقم خود از پی تاریخ تعمیرش حسن». این امامزاده در بین اهالی به «طالب‌کش» نیز معروف است. حاج شیخ علی اکبر نهاوندی علت شهرت این امامزاده را به این نام در کتاب خود بیان رفیع چنین شرح می‌دهد:

بنابر آنچه که این حقیر از والد مرحوم که خودش در زمان وقوع قضیه واقف بوده، شنیدم و جماعت کثیری از معتمّین را هم به آن مرحوم در این قضیه هم قول دیدم، آن است که در زمان خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار که ابناء سلطنت هر کدام در بلدی حکومت داشتند، حکومت نهاوند با محمود میرزا که از پسران خاقان است، بوده و در اوقات توقّفش در آنجا یکی از فرزندان که کمال محبت و علاقه را به او داشته مریض می‌شود به حدّی که تمام اطبای حاضر الوقت از معالجه او عاجز می‌گردند، پس یکی از اجزاء اداره حکومت که آدمی راسخ الاعتقاد و از اهل بلد بوده خدمت محمود میرزا معروض می‌دارد که امامزاده‌ای است در اینجا که قبرش در میان بازار و به بودنش از فرزندان موسی بن جعفر (ع) اشتها دارد، امید است که اگر برای بقعه مبارکه ایشان نذری نمایید و شغای آقا زاده از جنابش بخواهید، نذر شما به ذروه قبول نائل گردد و این آقا زاده را بری از مرض حاصل گردد. پس محمود میرزا چنین نذر می‌کند که اگر این فرزند مرا شفا حاصل شد، یک عدد قندیل از نقره که وزن آن نیم من سنگ تبریز باشد از برای بقعه آن امامزاده ترتیب داده و در سقف بقعه آویزان نماید. چون نذر او محقق شد، آنّا فائزاً حال آن مریض رو به بهبودی نهاده و در اندک وقتی صحیح و سالم گردید. پس محمود میرزا به نذر خود وفا می‌کند و قندیلی که وصف شد، ترتیب داده و خودش وارد آن بقعه شده و بعد از زیارت نردبان طلبیده و به دست خود

آن قندیل را در سقف آن بقعه آویزان نموده و بیرون آمده. و چون چند روزی از این مقدمه می‌گذرد، شخصی که طالب نام داشت و به قطاع‌الطریق و دزدی در نزد اهل نهاوند معروف بوده، از این معنی مطلع می‌شود و در خیال سرقت آن قندیل نقره می‌افتد... چون می‌خواهد زنجیر آن قندیل را باز کند، ناگاه صدایی عظیم و هولناک از میان صندوق چوبی که بر بالای قبر آن امام‌زاده گذاشته شده است بلند می‌شود به نحوی که طالب را دهشت و وحشت گرفته و بدنش مرتعش شده و از کار می‌افتد و از بالای نردبان در میان بقعه به زمین افتاده و فی‌الغور به درک واصل می‌شود... خبر به محمود میرزا رسانیدند... پس محمود میرزا امر نمودند که نقاره‌شادی زده و کوس عشرت نواختند و شهر را آئین بسته و چراغان نمودند و از آن روز تا حین کتابت، آن امام‌زاده آزاده به امام‌زاده طالب‌کش معروف است.^۱

«قیصریه» از دیگر احداثات محمود میرزا بوده که امروزه به جز نام و دو چنار کهنسال آثاری از آن برجای نمانده است. قیصریه حیاط نسبتاً بزرگی داشت که دور تا دور آن را حجره‌هایی احاطه کرده بود. حجره‌های سمت جنوب و شمال باختری آن دو طبقه و با آجرهای زیبایی نقش‌بندی شده بود و طاق‌های آن به صورت ضریبی بود. در دو سمت دیگر بازارچه‌های سرپوشیده‌ای وجود داشت که به صورت عمود بر هم احداث شده بودند. در اصلی این بنا در میان بازار چهارسو، در سمت شمال آن در میان بازار تجارها و در جنوبی در ابتدای بازار بزازها باز می‌شد. قیصریه عمده‌ا محل داد و ستد تجار بزرگ بود و تا قبل از سال ۱۳۳۰ش عده‌ای از کسبه در آن به کسب و کار مشغول بودند. این بنا در یک آتش سوزی مهیب تخریب شد و آثار باقی مانده آن هم با کشیدن خیابان به طور کلی محو شد. ابتدا نام آن خیابان «ششم بهمن» و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان «سعدی» تغییر نام داد.^۲

«مسجد محمود»، «کاخ همایون» و چند حمام و کاروانسرا از دیگر بناهایی است که این شاهزاده قاجاری در نهاوند احداث کرده که امروزه متأسفانه تعداد اندکی از آنها باقی

۱. بنیان رفیع، ص ۳۱۹ به نقل از کتاب نهاوند در هزاره‌های تاریخ، صص ۴۲۶-۴۲۷.

۲. نهاوند در هزاره‌های تاریخ، صص ۴۴۴-۴۴۷.

مانده است.^۱ محمود میرزا، کاخ همایون را نیز به نام برادر کهنتر خود نام‌گذاری کرد و آن را چنین توصیف می‌کند:

دیگر کاخ همایون که مسمی به اسم کهنتر برادرم همایون میرزا است، آراسته‌تر از پر همایون و پیراسته‌تر از باغ انگلیون. اگر گویم سلسبیلش مجاور صحن و ایوان است سزا خواهد بود و اگر گویم تسنیمش بنده‌سرا باشد. غرفات و تالارش کانهن غرفات الجنان و شرفات ایوانش کانهن الیاقوت و المرجان.

ز هر نقشش پذیرا طرف دامن نه در چین همچنونی و نه ارمن

فتحعلی‌خان صبا نیز ماده تاریخ بنای کاخ همایون را چنین ثبت کرده است:

خامه بنگاشت به تاریخ بنایش که بود یارب این کاخ همایون ز همایون محمود^۲

محمود میرزا صرف‌نظر از کارهای عمرانی، به تألیف دو کتاب سفینه‌المحمود و بیان‌المحمود نیز همت گماشت و آثاری از نظم و نثر در حدود چهل هزار بیت به رشته نگارش درآورد و در آنها مطالب زیادی راجع به نهاوند و شرح احوال و اشعار چند شاعر نهاوندی مانند امید نهاوندی، آشنای نهاوندی، پرتو نهاوندی، تراب نهاوندی، حسن نهاوندی، ساحل نهاوندی، طرّف نهاوندی، شیدای نهاوندی و مونس نهاوندی ثبت کرد.^۳ اما از آنجا که از طریق نگارش کتب نیز نتوانست نظر همایونی را به سوی خود جلب کند، آزرده خاطر شده تا جایی که در خاتمه کتاب سفینه‌المحمود از بی‌مهری روزگار و عدم توجه شاه به تلاش‌های خود شکوه آغاز کرده:

یکی نغز کشتی برافراشتم	دو دریا ولی در وی انباشتم
شد این ژرف دریا سفینه بنام	سفینه که دریا برآرد ز کام
جهان در جهان گوهران خوشاب	درخشان‌تر از گوهر آفتاب

۱. نک: محمود میرزا قاجار حاکم وقت نهاوند، ص ۱۳۲.

۲. نک: دیوان اشعار ملک‌الشعرا فتحعلی‌خان صبا، ص ۱۰۷.

۳. نک: تماشای جان (ایران‌شناسی - نهاوند پژوهی)، صص ۲۲۳-۲۲۷ و سفینه‌المحمود، ج ۱، صص ۱۲۶-۳۰۹.

ابا آنکه جانی دژم داشتم همه روی در روی غم داشتم
 پریشان و پژمان و ناسازمند همه جان ز دژخیم گردون نژند
 ندانم جهانم چه خواهد همی تن و جان من چند کاهد همی
 چنین خون دل چند نوشم ز جام چنین زهر غم چند ریزم به کام
 چنین باشم تن بدین درد و رنج ز ناسازی چرخ بینم شکنج
 همه روز پژمان همه شب دژم نه تاب شکیب و نه پایان غم
 نشد شاهم آگه ز خونین سرشک وگر شد نشد هیچ گاهم پزشک
 بدین روز در سالیان دراز همه روز بردم به دارا نیاز
 مگر شاه روزی بخواند مرا وزین تیره روزی براند مرا
 برم تا به رامش مگر یک دو روز نخواند مرا ماند چندین بسوز
 چه ناله است محمود از روزگار چرا بود باید چنین سرگوار
 کنون شاه ایدر خداوند ماست مهین مایه بود و پیوند ماست
 اگر چند در روزگار دراز به درگاه او باز گفتم نیاز
 همانا نه خوش داشت زاری من نبخشید بر سوگواری من
 کس نون نسوز داند توانایم ورین بیش اندر شکیبایم
 به چشم از یکی گردش آرد ز مهر دگرگونه گردد نورد سپهر
 به هر بویه برگ و نوا آورم سر آسمان زیر پا آورم
 سر از رای من گر بتابد سپهر به کین تیره سازم رخ ماه و مهر
 همه زندگانی به شادی برم به رامش همه شب به روز آورم
 ستایش کنم روز و شب بر به شاه کله گوشه زان بر فرازم به ماه
 همواره جهاندار پاینده باد جهانش به جان روز و شب بنده باد
 دل بندگانم مبادا دژم میراد از جانشان مهر جم
 بویژه ز محمود ناسازمند به مهر جهان شهریار آزمند^۱

در جای دیگری در همین اثر در باب عدم نتیجه از کار خود سروده:

دنیا طلبیدیم و به مقصد نرسیدیم آیا چه بود آخرت ناطلب ما

محمود میرزا از آنجا که خود طبع شعر نیز داشت، محمّد تقی لسان‌الملک سپهر مؤلف کتاب ناسخ‌التواریخ را از کاشان به نهاوند فرا خواند. لسان‌الملک به نهاوند رفت و به خدمت او درآمد و به تعلیم و حمایتش پرداخت و در نشو و نمای وی تلاش و کوشش کرد. محمود میرزا نیز به وی تخلص «سپهر» داد^۱ و بارها در آثار خود از جمله سفینه‌المحمود از او تعریف و تمجید به میان آورد تا آنجا که:

او را مشتری آسمان سخن و عطارد فلک‌نظام می‌داند که در قواعد شاعری آخرین پلّه فصاحت و بلاغت را به دست آورده و در اجرای قصاید و امضای فرایند با ملک‌الشعرا هم گفته و انباز است.

لسان‌الملک سپهر هم به پاس قدر دانی از وی، دیوان محمودة‌القصاید را در اوّل نوروز ۱۲۴۱ ق به او تقدیم داشت.

محمود میرزا تا سال ۱۲۴۱ ق حاکم نهاوند بود اگر چه در کنار این اقدامات عمرانی و تألیفات علمی، مؤلف تاریخ ذوالقرنین مطالبی گلایه‌آمیز پیرامون ظلم و ستم وی بویژه ستمی که محمود میرزا نسبت به خود وی روا داشته، گزارش می‌دهد:

در اواسط شهر جمادی‌الاول سنه یکهزار دویست و چهل و چهار موکب ظفرشعار به آن سامان و دیار شتافت و در روز ورود موکب انجم حشم به دارالایمان قم، این بنده خدمتگزار با اهل و عیال بی‌شمار از سامان نهاوند و ولایت الوار به طریق فرار از آن دیار و شرفیاب درگاه فلک‌مدار شاهنشاه تاجدار مورد تفقذات بی‌شمار آمد. تبیین این مقال آنکه، بعد از مدت سه سنه افزون که در آن دیار به مباشری افتادم و آدابی نیکو، که موجب مزید امیدواری رعیت و دعاگوئی دوام دولت ابدآیت بود، نهادم، از وفور حق‌شناسی نواب شاهزادگان آزاده

۱. ناسخ‌التواریخ، ۱۳۳۷، ص ۵ (مقدمه).

۲. سفینه‌المحمود، ج ۱، صص ۳۴۱-۳۴۲.

محمود میرزا و همایون میرزا، اوضاع سی ساله نوکری دربار دولت جاوید را بر باد دادم و مدت هفت ماه در قلعه رویین دژ نهاوند که از مستحذات محمود میرزای ارجمند است، محبوس بودم و از زندگی و زندگانی مأیوس. بالاخره حضرت صاحبقران دادرش به توسط امینیان شوکت خداداد به دادم رسید و به نوشته و پیغام مهربان و حمایت هماسیگان فرار اختیار کرده، بخت سعیدم به آستان خلافت نشان کشید.^۱

در ادامه نیز می نویسد:

بی لطفی او به جایی کشید که دو دفعه در لرستان و نهاوند قاصد جانم گردید، به انواع لطایف الحیل از جنگ او رستم و به چاکران درگاه صاحبقران روزگار پیوستم.^۲

او همچنین در کتاب دیگر خود تذکره خاوری محمود میرزا را اینگونه توصیف می کند:

در اجرای سیاست زهادت سفاک بود... مجرمین را در دیگ آب نهاده، جسم ایشان را از جوش آتش می فرسود.^۳

محمود میرزا سرانجام در ۱۲۴۱ق، حکومت نهاوند را به برادر خود جهانشاه میرزا متخلص به «جهان» و به نوشته عبدالرزاق دنبلی به همایون میرزا متخلص به «حشمت» سپرد.^۴ او اگرچه به طور مستقیم علت یأس و بدبینی خود را ننوشت ولی چنان که از فحوای کلامش پیداست از نزدیکان خود رنجیده خاطر شده است، زیرا می نویسد:

با عمر بیست و هفت سال ملالی که در هزار و پانصد سال به بوج رسیده من وارد، و کمالی که دیگران به هزار سال از برایشان ثابت درین عمر قلیل از برایم میسر. صاحب خردی اگر بیند، داند که دردم از کجاست و شکایتم بجاست، به اجرای این بیت سر رشته به دست دوستان می دهم:

من از بیگانگان هرگز ننالم که با من هر چه کرد آن آشنا کرد^۵

۱. تاریخ ذوالقرنین، ج ۱، مقدمه، صفحه سی و چهار.
 ۲. همانجا.
 ۳. تذکره خاوری، ص ۴۸.
 ۴. نگارستان دارا، ص ۳۴.
 ۵. سفینه المحمود، ج ۲، ص ۷۰۳.

محمود میرزا در یکی از غزل‌های خود از بابت اینکه حاسدان و دشمنانش به کناره‌گیری او از حکومت نهاوند اکتفا نکرده، ابراز ناخرسندی کرده است:

خدا ای کاش ننماید به محمود اگر مرگش بود چون زندگانی^۱

محمود میرزا پس از واگذاری حکومت نهاوند، با دادن یکصد هزار تومان به شاه از سوی وی به حکومت لرستان فیلی منصوب شد. متن فرمان به قلم سحر و شیوه نگارش میرزا محمد نائینی (۱۲۶۷-۱۲۷۳ق) تحریر شده است.^۲ از این فرمان تا حدی شرایط اجتماعی لرستان آن روز و خصوصیات و طرز رفتار شاهزادگان قاجار با مردم نمایان می‌شود. مهم آنکه قبل از صدور فرمان عده‌ای از اهالی لرستان نگرانی خود را از حکومت محمود میرزا به عرض شاه می‌رسانند. متن حکم مشتمل بر نصایح ملوکانه و تعرضات تربیت نشانه به افتخار نواب شاهزاده محمود میرزا سمت ترقیم یافته است:

آن فرزند مسعود از خدمت همایون استدعای تفویض لرستان نمود و در اسعاف اقدام و اصراری به تقدیم رسانیده، نظریه شمول کمال مرحمت و مشهود اینکه در خدمات سابق آن فرزند نظم حاصل بوده و از عهده انتظام ولایت متعلق به خود برآمده، و امور زندگی و کار و بار خود را نیز نظم داده، و بدین وسایط به مزید عقل و کاردانی مشهود نظر مهرشود افتاده بود، و در طی استدعای مزبور بعضی تعهدات دیگر نیز از این قبیل که هرگاه امر لرستان به او محول شود با استعداد همان جا از عهده خدمات کلی در سرحد عراق خوب بر می‌آید و نیز به واسطه بی‌اهتمامی و پریشانکاری مباشرین سابق در این چند سال امر لرستان از نظم که بایست و انضباطی که شایسته مهم آن سرحد باشد، نداشت. بدین موجبات استدعای آن فرزند را مقرون درجه قبول داشتیم و مهم آنجا را به کفایت او موکول گذاشتیم. اگرچه ادعای آن فرزند این بود که تمامی اعیان لرستان خواهان او می‌باشند، و در این وقت که جمهور اهالی محال مزبور شرفیاب خاکبوس دربار جهاندار شدند، توحشی از آن فرزند داشتند

۱. همانجا.

۲. نک: سفینه‌الفرامین (سفینه‌الانشاء)، صص ۱۸۲-۱۸۵.

بالمشافهة العلیّه از جانب آن فرزند آنها را اطمینان داده همگی را روانه نزد او فرمودیم.^۱

طی این فرمان شاه به فرزند خود موقعیت سرحدی لرستان با خوزستان و مجاورت آن را با کرمانشاه یادآور شده و به او توصیه می‌کند که در بند تدارک مخارج و در بند مداخل و درآمد نباشد بلکه جلب منافع کلی از آنجا نماید، زیرا فایده صاحب‌اختیاری لرستان نوکرداری و قوت ایل‌داری و اسم و رسم و شهرت است نه اخذ مال و جلب منفعت. همچنین به محمود میرزا توصیه کرد باید مردم‌داری کند و بداند که با استظهار رعیت نهند از عهده پناه تا شصت هزار ایل فیلی نمی‌تواند، برآید. دیگر آنکه باید لرستان را خانه خود بداند و اگر اندک خلاف قاعده از او نسبت به اهالی آنجا معروض، و سیاقی ملاحظه شود که محل نظم سرحد و موجب اغتشاش کار آن ولایت باشد، باز از حکومت آن ناحیه معزول خواهد شد.^۲ بدین ترتیب محمود میرزا به لرستان رفت و محمدتقی لسان‌الملک سپهر نیز با وی عازم خرم‌آباد شد. در سال ۱۲۴۲ ق بود که محمود میرزا با برادر بزرگ‌تر خود محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه، حاکم بروجرد و بختیاری، بر سر لرستان درگیر جنگ شد. به گفته سپهر چون قبیله سگوند با قبیله ساکی اختلاف پیدا کرد و از هر دو قبیله تعداد زیادی کشته شدند، افراد قبیله سگوند نزد حسام‌السلطنه رفته و او را به طمع و طلب اراضی تحریک کردند تا اراضی هرو را از طایفه ساکی گرفته و به آنها بدهد. قبیله ساکی نیز پناه به محمود میرزا بردند. حسام‌السلطنه به هرو رفت و محمود میرزا نیز سپاهی از مردم فیلی گرد آورد و به رزم برادر شتافت تا خاک هرو را تصرف نماید.^۳ اما لسان‌الملک سپهر برای گرفتن میانه دو برادر راهی هرو شد و چنان‌که می‌نویسد:

با سخنانی که ضرغام را رام توان کرد و پلنگ را از آشتگی باز توان آورد، خدمتش را از اوج طلب و غضب هابط ساختم و چنانش با برادر به مهر و حفاوت کردم که با چند تن از غلامان

۲. نک: همان، صص ۱۸۴-۱۸۵.

۱. نک: همان، صص ۱۸۲-۱۸۳.

۳. نسخ التواریخ، ج ۱، صص ۲۰۸-۲۰۹.

خویش آهنگ خرم آباد فرمود و این بنده را ملتزم رکاب ساخته تا قلعه خرم آباد بناخت. هر دو برادر یکدیگر را دیدار کرده، روزی چند به شادکامی به پای بردند و حسام السلطنه مراجعت به بروجرد فرمود.^۱

اما دیری نپایید که آتش زیر خاکستر دوباره مشتعل شد و بار دیگر بین دو برادر جنگ درگرفت. شیخعلی میرزا و همایون میرزا به حمایت از محمود میرزا وارد عرصه نبرد شدند. حسام السلطنه با چهارده هزار سپاهی از قبایل باجلان، بیرانوند، سگوند، یاراحمدی، هفت‌لنگ و چهارلنگ بختیاری و محمود میرزا با ده هزار سپاهی از قبایل حسونند، کاکاوند، ساکی، چواری، بیرانوند و جماعتی از قبایل پشتکوه به سرکردگی حسین خان قلی آماده کارزار شدند. محمود میرزا ابتدا برادر دیگر خود جهان‌شاه میرزا را با چهار هزار سوار و پیاده به مقابله لشکریان حسام السلطنه فرستاد اما او که سرکرده سپاه بود، در حمله اول بر اثر بی‌تجربگی شکست خورد، به ملایر گریخت. با فرار او، محمود میرزا شکست یافته و قلعه خرم آباد به تصرف حسام السلطنه درآمد. فتحعلی شاه از آنجا که محمود میرزا را مقصر می‌دانست، وی را از حکومت لرستان معزول، و حسام السلطنه را به حکومت آن ناحیه منصوب کرد. محمود میرزا در مورد قهر و غضب پدر خود می‌نویسد:

هنگام فتنه روس که هر کسی به دربار خسروانی انحصار و با عسکر و لشکر در دارالخلافه اجتماع ملک‌زادگان اتفاق افتاد، در آن هنگام مرا توفیق زیارت میرزا رفیق‌نشد.^۲

محمود میرزا در دوران حکومت خود مقبره محمد بن احمد بن رضی الدین از اعقاب امام موسی کاظم (ع) معروف به «حیات‌الغیب» را تعمیر کرد. این مقبره در دهکده «قالبی» واقع در ۵۰ کیلومتری جنوب باختری خرم آباد و بر ساحل غربی رود کشکان، بر بالای تپه‌ای سنگی، در امتداد کوه «کیره» واقع است. این بنا یک بار به دستور محمود میرزا تعمیر شده و بر سنگی تاریخ آن چنین نوشته شده است: «کل فعاله محمود بالله،

حسب الحکم شاهزاده محمود میرزای قاجار در سال هزار و دویست و چهل و سه سرکاری. این بنای امامزاده حیات الغیب به اتمام رسید.^۱

محمود میرزا پس از عزل از حکومت، به دستور پدر مدّت شش ماه در تهران ماند و همچنان مورد بی مهری پدر بود تا این که در سال ۱۲۴۴ ق دوباره به حکومت نهاوند منصوب شد، سپهر نیز همراه وی به آنجا رفت. چون محمود میرزا وارد نهاوند شد، بعضی از مردم لرستان که از حسام السلطنه بیم داشتند، دور محمود میرزا جمع شده و بار دیگر سبب اشتعال کینه محمود میرزا نسبت به حسام السلطنه شده و آتش نزاع میان دو برادر را مشتعل ساختند که این بار چهار ماه ادامه یافت.

اختلافات میان دو برادر و نزاع های آنان با یکدیگر نارضایتی مردم را در پی داشت. از این رو، مردم شهر به حاجی محمد مهدی مولوی مشهور به نهاوندی که مردی حکیم و فاضل دانشمندی بود، متوسل شدند. وی نیز نامه ای به حسام السلطنه نوشت و اسراری از محمود میرزا برای او بازگو کرد. اتفاقاً این نامه به دست محمود میرزا افتاد و محمود میرزا دستور قتل او را داد و میرزا ابوالحسن خان امید نهاوندی را نیز به جرم هم دستی با وی کور کرد. در دیوان اشعار میرزا ابوالحسن خان امید نهاوندی آمده:

چون محمود میرزا به قصد تصاحب تاج و تخت سلطنت عده ای را تجهیز می کند، امید با مولوی که او هم یکی از دیوانیان و خود اهل شعر و عرفان بوده، مقاصد پسرعم شاه را برای شاه می نویسد و چون تمام راه ها تحت کنترل عساکر محمود میرزا بوده، کاغذ را در زیر سم اسب پنهان می کنند که زود کشف می شود و شاهزاده دستور می دهد امید و مولوی را احضار کنند و در مجلسی که به همین منظور تشکیل شده بود، از شاعر شوریده دل سؤال می کند که اگر شخصی به ولی نعمت خود خیانت کند، سزایش چیست؟ امید هم غافل از همه جا فی البداهه می گوید: چشم اگر مستی کند، از کاسه بیرونش کنم. آنگاه از مولوی سؤال می کند، او هم می گوید: جان اگر سختی کند، یکباره معدومش کنم.^۲

۱. آثار باستانی و تاریخی لرستان، ج ۲، صص ۱۸۵، ۱۸۶.

۲. نک: جغرافیای تاریخی نهاوند، ص ۲۸۵ و نیز نک: دیوان میرزا ابوالحسن خان امید نهاوندی، مقدمه.

به نوشته میرزا فضل الله خاوری شیرازی: «مولوی نهایندی را به ظهور اندک جرمی از صدمه طناب ستم از میان برداشت و نام این بی رحمی را «سیاست مدن» گذاشت.»^۱ اما مؤلف حذیقه الشعرا قتل مولوی و کور شدن امید نهایندی را به دستور همایون میرزا می داند^۲ و علی رضا میرزا قاجار مؤلف تذکره بستان العشاق نیز در این باره با وی هم عقیده است.

عاقبت لسان الملک سپهر بار دیگر میان حسام السلطنه و محمود میرزا صلح برقرار کرد:

چندان که محمود میرزا را از این کار شنیع منع کردم، مفید نبود و جمعی در میانه مقتول گشت. هم عاقبت به حجت های محکم و براهین روشن، شاهزاده محمود را نرم کردم و در میان او و حسام السلطنه پیوستگی دادم تا به زحمت و محنت تمام از قلعه به زیر آمده، روانه بروجرد گشت و از دنبال او من بنده زن و فرزند و احمال و اطفال او را به بروجرد حمل دادم.^۳ در پی آشتی میان برادران، حکومت نهایند بار دیگر از آن همایون میرزا برادر تنی محمود میرزا شد. چون محمدحسین میرزا حشمت الدوله در ۱۲۴۵ ق حاکم کرمانشاه گردید، مردم خوزستان و لرستان به گرد وی جمع شدند و بار دیگر فتنه انگیز شدند و زمینه نزاع میان شاهزادگان قاجاری یعنی حسام السلطنه، همایون میرزا، شیخعلی میرزا، حشمت الدوله و محمود میرزا را در غرب کشور فراهم آوردند. این اختلافات میان شاهزادگان در غرب کشور همچنان به قوت خود باقی ماند تا اینکه در ۱۲۴۷ ق جنگ میان حشمت الدوله و حسام السلطنه حاکم بروجرد و بختیاری شعله ور گشت. لسان الملک سپهر دو قصیده مطول در این باره سروده که در کتاب ناسخ التواریخ مسطور است.^۴

میرزا فضل الله خاوری شیرازی که از بزرگان عصر قاجاری است و تألیفات متعددی

۱. نک: تذکره خاوری، همانجا.

۲. نک: حذیقه الشعرا، ج ۱، ص ۱۷۲.

۳. نک: ناسخ التواریخ، ج ۱، ص ۴۳۴.

۴. نک: همان، ج ۱، صص ۴۶۵-۴۵۴.

دارد. چون مدت‌ها در نهایوند زندگی کرده و سال‌ها وزارت آن ناحیه را در عهد حکمرانی همایون میرزا بر عهده داشته، در اثر خود تذکره خاوری اشاره‌ای به سرنوشت مردم ایران کرده و به طور مستقیم و غیرمستقیم پرده‌ای از کارهای ناشایست شاهزادگان قاجاری چون محمود میرزا و همایون میرزا که حکومت نهایوند را داشته‌اند، برداشته است. وی محمود میرزا را اینگونه توصیف می‌کند:

در مراحل جلالت بزرگی صاحب قانون و رویه‌ای است. شاهزاده‌ای است غیور و پیوسته سرمست از باده غرور، با وجود خویش احدی را در روزگار موجود نمی‌شمارد و از مقام سلطنت پائی فروتر نمی‌گذارد. در محفل ملک‌زادگان از ایشان دورنشته، حرفی از لا و نعم بر زبان نمی‌راند، زیرا که احدی را مخاطب خویش نمی‌داند، بی‌نهایت مزی ارباب کمال بود و جمعی کثیر از اهل حرف را به دربار خویش پرستاری می‌نمود و در اکثری از فنون کمالات تشبعی کامل به هم رسانیده، خاصه در فن نظم و نثر سرآمد امثال و اقران گردیده است... در اجرای سیاست زیاده سفاک بود. در هر فنی از فنون سواری و تیراندازی و جریده‌بازی با وقوف و بی‌باک، اکثر اوقات حریفان را در جولان‌بازی از ضرب جریح سر و پامی شکست و به ضرب گلوله تفنگ جسم طیور تیزبال را در هوا می‌خست.

محمود میرزا تا مرگ فتحعلی شاه (۱۲۵۰ق)، در حکومت لرستان باقی ماند. چون محمد میرزا با کمک میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی به تهران آمد و با نام محمد شاه بر تخت نشست، قائم‌مقام آن دسته از فرزندان فتحعلی شاه را که مدعی سلطنت بودند، به عناوین مختلف دستگیر و زندانی کرد. محمود میرزا نیز از جمله همین افراد بود که در ذی‌قعدة ۱۲۵۰ دستگیر و روانه تهران شد و در ۱۲۵۱ق به دستور محمد شاه قاجار همراه دیگر شاهزادگان زندانی به زندان اردبیل انتقال یافت. دیوان‌بینگی در این باره چنین گزارش می‌دهد:

اما محمود میرزا با این حال در برابر شاه و وزیرش قائم‌مقام در مقام تضرع و تذلل برنیامده

بلکه با آنان به شوخی و مزاحی آمیخته به شماتت و سرزنش پرداخته و از قزوین به قائم مقام نوشته که معنی نقی بگیر و نقی بگیر را در گرفتاری خود فهمیدم.^۱

محمود میرزا چندی بعد به علت شیوع وبا به تبریز منتقل گردید ولی دوباره پس از رفع بیماری به زندان اردبیل بازگردانده شد و تا پایان عمر در زندان ماند. در باب تاریخ مرگ او اطلاع دقیقی در دست نیست. تاریخ وفات او را بعد از ۱۲۷۱ ق ذکر کرده‌اند.

محمود میرزا مهری به سجع: «شد به توفیق صانع معبود - پاسبان در رضا محمود» داشت.^۲ تصویری از محمود میرزا باقی است که ظاهراً اثر زین العابدین حیرت نهاوندی است که در فن نقاشی و خط تبحر داشته و محمود میرزا در سفینه‌المحمود (ج ۱، ص ۲۴۲) راجع به آن سخن گفته است.^۳ به اعتقاد یوسف نهاوندی:

محمود میرزا مردی مستبد و خودخواه بود و به همین جهت دوستان کمی داشت، حتی میرزا محمدشفیع را که سالها رنج تربیتش را تحمل کرده بود از خود دلگیر نمود، با قائم مقام دشمنی می‌ورزید. هنگامی که عباس میرزا در خراسان اقامت داشت، وزارت او به عهده میرزا ابوالقاسم قائم مقام بود. محمد شاه فرزند نایب السلطنه عموی خود، محمود میرزا را که در آن موقع در مشهد بود به شام دعوت کرد ولی قائم مقام از فرستادن غذا برای آنها خودداری کرد و این امر باعث کدورت مهمان گردید. محمود میرزا که طبعی روان داشت، قصیده‌ای در پاسخ به عمل قائم مقام ساخته، برای او فرستاد که یکی از آن این است:

از ازل محمود را مردود شد قائم مقام دزد دانا می‌کشد اول چراغ خان‌ومان^۴

به نوشته سپهر، محمود میرزا همچون پدر تاجدارش فرزندان زیادی داشته و ۳۴ فرزند از او باقی مانده که هفده تن پسر بودند: مسعود میرزا، محمدزمان میرزا^۵، سیاوش

۱. نک: حدیقة الشعراء، ج ۳، ص ۱۵۹۵.

۲. مهرهای شاهزادگان قاجاریه، ص ۳۰۸.

۳. همان، ص ۲۹۲.

۴. مادر محمدزمان میرزا تاج خانم نام داشت که دختر علی مرادخان زند بود. خانواده‌های زمانیان نام خانوادگی خود را از وی گرفته‌اند و نسب به محمود میرزا می‌رسانند. محمدزمان میرزا با زندانی شدن پدر، همراه مادر خود به قم رفت و مدت‌ها در آنجا زندگی کرد.

میرزا، سلطان تکش میرزا، سلطان جهان میرزا، کیان میرزا، قآن میرزا، عبدالباقی میرزا، سبکتگین میرزا، خسرو میرزا، مبارک میرزا، شکرالله میرزا، نعمت‌الله میرزا، مینکتوش میرزا، عطاءالله میرزا، حیدر میرزا و محمد میرزا.

چنان‌که گذشت محمود میرزا از شاهزادگان اهل قلم قاجاری بود. به واسطه آنکه در فن خط و خوش‌نویسی، نجوم، طب، حکمت الهی، نثر و شعر تبحر داشت، خود را از دیگران برتر می‌شمرد. او در شعر «محمود» تخلص می‌کرد و از آنجا که فردی دانش‌دوست بود، همواره عده‌ای از شعرا و دانشمندان را در دربار خود گرد آورد و شعرای بسیاری مانند سپهر کاشانی، شیدا نهاوندی، عالم نهاوندی، چاکر مازندرانی، خاوری شیرازی، آزاد کشمیری و برقی خویی را پرورش داد. چنان‌که خود در سفینه‌المحمود نوشته:

قرب به سی شاعر اینک در حضرتم موظف و چندین عالم و فاضل و حکیم و منجم از خوان وجودم جامگی خوانند.^۱

محمود میرزا درباره میرزا محمدعلی آزاد می‌نویسد:

چون غالب سیاقم این است که صاحبان کمال و ارباب علم را پرستاری و توجه به احوالشان دارم... برای این پاکزاد صاحب احوال خانه‌ای اتباع به مبلغ خطیر و دوشیزه‌ای از نوکرزادگان خویش با جهیز بسیار به او انعام و به سیاق سایر مداحان قرار دستی و وجه معتدبهی معین. قریب به هفت سال است... زمانی که شهنشاه عالم و پادشاه ایام... از مومی‌الیه سخن ناپسندی مسموع فرمودند، حق اینکه اگر حق بندگی من نبود البته به قتل می‌رسید.^۲

محمود میرزا در طول حیات خود آثار ارزنده‌ای در زمینه‌های تاریخ، شعر و ادب و جغرافیای محلی به رشته نگارش درآورد که امروزه نسخه‌هایی از آنها در کتابخانه‌های خارج از کشور و کتابخانه‌های مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملک، کتابخانه مرکزی

۱. سفینه‌المحمود، ج ۲، ص ۵۶۹.

۲. همان، صص ۵۷۰-۵۶۹.

دانشگاه تهران، کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه ملی موجودند.

آثار محمود میرزا

۱. سفینه‌المحمود: محمود میرزا این اثر را به فرمان فتحعلی شاه در سال ۱۲۴۰ق در ذکر اشعار و احوال فتحعلی شاه و شاهزادگان و ملتزمان رکاب و و شعرای معاصر خود در یک مقدمه و چهار مجلس نوشته و در آن به معرفی ۳۵۸ شاعر پرداخته است. مجلس چهارم در ذکر احوال خود مؤلف است. این اثر به سعی و اهتمام دکتر عبدالرسول خیام‌پور در سلسله انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران در تبریز در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسیده است.

۲. باده بی‌خمار: محمود میرزا این اثر را در سال ۱۲۴۷ق تألیف کرده و بیشتر ابیاتی درباره شراب سروده و همچنین ۶۲ مورد نام و کنایاتی را که به شراب اشاره دارد، آورده است. او در جدولی که در مقامات میخوارگی ترتیب داده از فرهنگ‌های مختلف اسامی مفرد و مرکب شراب را به زبان فارسی و عربی در پنج صفحه فراهم آورده است. تقریظاتی شعرای دربار به نظم بر این کتاب نوشته‌اند که از آن جمله به قصاید میرزا محمدتقی منشی‌الممالک علی‌آبادی، میرزا محمد نواده میرزا محمدقلی منشی‌الممالک، محمودخان دنبلی متخلص به خاور، سلطان حسین طالشی متخلص به نصرت، میر سید علی طهرانی متخلص به شباهنگ، میرزا محمدتقی ادب، ترکیب‌بند عندلیب کاشی، قطعه میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی، قطعه میرزا محمدعلی طهرانی و قطعه سپهر کاشانی می‌توان اشاره داشت.

۳. دلق محمودی: این اثر را محمود میرزا در سال ۱۲۶۵ق در آذربایجان تألیف کرده است. این کتاب اطلاعات مفیدی از اوضاع اجتماعی روزگار مؤلف، وزرای ایران و جهان، شعرا و نقاشان، پهلوانان، کشتی‌گیران، تیراندازان، میرشکاران، تجار و اهل اصناف، خوانین جهان و خواتین دربار و مناطق مختلف جغرافیایی چون خرم‌آباد، بروجرد، لرستان، همدان، نهاوند، ملایر، تویسرکان، کرمانشاه، اسدآباد و تبریز به دست می‌دهد.

۴. اخبار محمدی: محمود میرزا این کتاب را در سال ۱۲۶۲ق تألیف کرده است. او در

دیباچه اثر می‌نویسد: «پس از پرداختن از «مرآت محمدی» خواستم تاریخ کوتاهی از آغاز آفرینش تا سال ۱۲۶۲ ق بنگارم. پس رویدادهای بزرگ جهان را فهرست‌وار نگاشتم و پیشکش شاه (محمد شاه) کردم. بخش پس از نادر شاه و روزگار قاجار آن قابل ملاحظه است.»^۱

۵. تحفه شاهی یا تحفه شهنشاهی: در اشعار فتحعلی شاه که محمود میرزا خود نیز در این اثر قصیده‌ای در مدح فتحعلی شاه دارد.

۶. گلشن محمود: تذکره‌ای در باب مدح فتحعلی شاه و فرزندان وی و احوال شش تن از فرزندان حسین قلی خان جهانسوز و خاتمه‌ای در شرح احوال مؤلف. محمود میرزا این اثر را در سال ۱۲۳۶ ق تألیف کرده است و در مقدمه اثر می‌نویسد:

بر طبق عریض مقدم آید و به شرح احوال اقرب اقارب نیز بپردازد، امتثالاً لآمره الاشرف الاعلی این نیازمند به تقدیم خدمت مرجوعه قیام و به انجام این امر همایون اقدام نمود و این خجسته مجموعه را که از اظهار ازهار الفاظ لطیفه و از توارد در معانی دقیقه محسود بهشت موعود است موسوم به گلشن محمود ساخت، به عون عنایت سبحانی به انجامش پرداخت.^۲

این اثر به اهتمام میر هاشم محدث در گنجینه بهارستان (تاریخ ۱) انتشار یافته است.

۷. محمودنامه: رساله‌ای در توفیقات دلکش و حکایات خوش و لطایف دلپذیر و

نصایح.

۸. دررالمحمود: دیوان اشعار محمود میرزا است در دوازده هزار بیت.

۹. بیان‌المحمود: محمود میرزا این اثر را در سال ۱۲۴۰ ق به رشته نگارش درآورده

است. بیان‌المحمود تذکره‌ای است در یک مقدمه و دو قسمت که مؤلف در آن به معرفی

۳۰۰ شاعر پرداخته است. در قسمت اول شرح حال شاعران و در قسمت دوم اشعار آنان

را آورده است. اولین شاعری که به معرفی آن پرداخته فتحعلی شاه و آخرین آنها یوسف

گرچی است.

۱۰. غزلیات: محمود میرزا به پیروی از حافظ آن را در ۱۷۰۰ بیت سروده و در پایان حضرت علی (ع) را مدح کرده است.

۱۱. سنبلستان: مؤلف آن را به پیروی از گلستان سعدی در احوال طبقه نسلان در چهار باب نگاشته است.

۱۲. منتخب اشعار: گزیده اشعار ۱۶۴ شاعر قدیم و جدید است که از فتحعلی شاه شروع شده و به محمود میرزا خاتمه یافته است.

۱۳. مقصود جهان: سفرنامه محمود میرزا به لرستان است که مؤلف آن را در سال ۱۲۴۲ق بنا به درخواست برادرش جهانشاه میرزا و جهت آشنایی وی با منطقه لرستان نگاشته و در آن به معرفی اینیه لرستان پرداخته است. محمود میرزا در مقدمه اثر خود می‌نویسد:

و چنین گوید بنده شرمندۀ پروردگار لیل و نهار، محمود قاجار، که در یوم شنبه بیست و دوم جمادی‌الاول به طالع خوت، چهار ساعت از طلوع تیراعظم گذشته، از بلدۀ نیکوبنیاد خرم‌آباد لرستان عنان عزیمت به سوی گرمسیر آن ملک معطوف داشت. یکی از برادران جانی که با من پیوند روح و تن و الفت گل و گلشن داشت، چنان خواهش نمود که از روز خروج تا یوم دخول، به ترتیب به تسوید منازل و عجایب و محاکم آثار بدایع آنچه به نظر این گمنام دیار بدنایم و بدنام دیار گمنامی آمد، بپردازد... چون در انجام هر کتابی لابد نامی لازم، این رساله را موسوم به نام برادر مهربان، جهانشاه میرزا، انشاء نمود. چون هم او باعث که شرح این احوال پرداختم، لهذا او را مقصود جهان نام نهادم.^۱

این کتاب از دیدگاه تاریخی و ادبی درخور توجه است. نخست آنکه چون محمود میرزا خود یکی از طرف‌های درگیر جنگ بوده ریشه‌های اختلافات و نزاع‌های شاهزادگان قاجار یعنی خود، محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله، حاکم کرمانشاهان، شیخ‌الملوک میرزا، حاکم توپسرکان و ملایر و حاکم لرستان فیلی و خوزستان، و محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه حاکم بروجرد و سیلاخور را در غرب کشور بعد از

وفات محمدعلی میرزا دولتشاه به تفصیل شرح می‌دهد. دیگر آنکه مؤلف شجره‌نامه امرای لرستان فیلی را از عهد شاهرودی خان در ۱۰۰۶ق تا عهد فتحعلی شاه بیان کرده، اگرچه شرح و بسطی از هریک ارائه نداده است.

رساله مقصود جهان اگرچه از حاکمان لرستان نام برده و در آن ائینه تاریخی، امامزاده‌ها و معجزات آنان و اعتقادات مردم را بیان کرده اما تاریخ کاملی نیست و مطالب به اختصار نوشته شده است تا رساله کوچکی در شناخت لرستان به برادرش جهانشاه ارائه دهد. بنابراین می‌توان آن را رساله‌ای در جغرافیای تاریخی لرستان نامید. محمود میرزا در این اثر خواننده را نیز از احداثیات خود در منطقه لرستان مطلع می‌سازد. چنان‌که در شرح باغ «بوستان شاه» در صیمره^۱ می‌نویسد:

حسب الامر پادشاهی طرح باغی در آنجا ریختم مسمی به «بوستان شاه». فرستاده از خاک روم باغبان و نهال مرکبات و درخت خرما آورده، در وی غرس شد... سی پارچه ده بنا شد در آنجا احداث شود.^۲

و باغ «گلستان خاقان» را در جایدر:

ما در این ملک به نام پادشاه عالم پناه، باغی احداث که آن باغ مسمی به «گلستان خاقان» است. بنای صاحب و قوفی که در استادی و طراحی بی‌عدیل بود، احضار کرده که به طرح باغ مشغول گردد.^۳

محمود میرزا علاوه بر اطلاعاتی که درباره تاریخ و جغرافیای لرستان به دست می‌دهد، به ثبت اشعاری از خودش و شعرای هم عصرش چون لسان‌الملک سپهر و میرزا عبدالوهاب متخلص به قطره^۴ نیز پرداخته است. برای نمونه محمود میرزا پس از آنکه

۱. صیمره: منطقه‌ای است بین رودخانه صیمره و رشته کوه کبیرکوه به عرض ۱۲ الی ۲۴ کیلومتر و به طول ۹۰ کیلومتر از شمال به قسمت هندومینی و کُلم، از باختر به کبیرکوه، از جنوب به دُم کبیرکوه و از خاور به رودخانه صیمره محدود است. نک: جغرافیای نظامی ایران (پشتکوه)، ص ۴۷، ۴۸.

۲. مقصود جهان، ص ۱۱۴. ۳. همان، ص ۱۱۸. ۴. همان، صص ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۱.

ظاهراً مدّت پنج ماه بعد از فوت خواهر خود ضیاء السّلطنه دست به قلم نبرده بوده، قصیده‌ای در تعزیت ایشان انشاد و تحریر کرده است:

مرا داغ بر دل نهاده‌ست بسی حد	مرا خاک بر سر فشاندست بی مر
بسی زخم از او به دل، جمله کاری	به ویژه ز مرگ یکی پاک خواهر
نه یک تن ز من برده از کینه گردون	که یک عالم جان برون برده از بر
نه اخت من این بود، نه دخت خسرو	همی آیتی بود از لطف داور
به عفت رفیق او، به اطوار مریم	به عصمت شریک او، به زهرای ازهر
به نظم اندرون، خوش توانا بیانی	به خط اندرون، خوش نویسی توانگر
به حسن اندرون، آفتابی فروزان	به خلق اندرون، جنتی روح پرور ^۱

محمود میرزا در پایان جهان‌شاه میرزا را پند و اندرز می‌دهد که همواره در زندگی خود به عدل بگراید و دشمن مال باشد نه مال و هرگز خداوند را فراموش نکند و ایمانی محکم داشته باشد.

رساله مقصود جهان به تصحیح هارون و هومن در سال ۱۳۸۴ در انتشارات گوهر منظوم به چاپ رسیده است. بار دیگر ناصر افشارفر آن را بر اساس نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی تصحیح انتقادی کرد و در گنجینه بهارستان (تاریخ ۲- قاجار) به چاپ رساند.

۱۴. پرورده خیال: در مکاتبات عاشق و مشعوق که مؤلف این اثر را به خواهش تاج‌الدوله همسر فتحعلی شاه نوشته است.

۱۵. مبکی‌العیون: در تغزیه که مؤلف آن را در ۱۰۰۰ بیت آورده است.

۱۶. کتاب حدیث: این اثر در زمان مؤلف به چاپ رسیده است. محمود میرزا در پایان آن آثار خود را به طور مختصر معرفی کرده است.

۱۷. مخزن‌المحمود: در احوال عارفان، کرامات و خوارق عادت آنان است.
۱۸. تذکره‌التلاطین: محمود میرزا در این اثر تاریخ ایران را از آغاز تا سال ۱۲۴۶ ق در ۲۰ باب: پیشدادیان، کیانیان، ساسانیان، اموی، صفاری، سامانی، عباسی، غزنوی، غوریان، بویه‌یان، سلجوقیان، اسماعیلیان، قراخانیان، مغولان، ایلخانیان، تیموریان، صفویان، افشاریان، زندیان و قاجاریان به رشته نگارش درآورده است اما تاریخ دوره قاجاریه را به تفصیل نگاشته به طوری که یک سوم کتاب را در بردارد. محمود میرزا زندگینامه مردان نامی روزگار قاجار را شرح داده و راجع به اصناف آن عصر نیز سخن گفته است.
۱۹. منتخب‌المحمود: در ذکر احادیث و معجزات خاتم‌الانبیاء.
۲۰. نصیحت‌المسعود: محمود میرزا این اثر را در اندرز و نصیحت به پسرش مسعود میرزا نوشته است.
۲۱. رؤیای صادقه: رساله‌ای است راجع به رؤیایی که فتحعلی شاه را در عالم رؤیا به نظر رسیده و تأثیر کلی بخشیده است.
۲۲. صاحب‌نامه: مثنوی است در چهارده باب و دیباچه‌ای به نثر که در آن از خود سراینده و کتاب نام برده و از حسام‌السلطنه و والده امیرزاده که به دستور او این مثنوی سروده شده یاد شده است.^۲ به نوشته شیخ آقابزرگ تهرانی نسخه این اثر با دیوان محمود میرزا در کتابخانه ملک و مجلس موجود است.
۲۳. محمود‌المراثی.
۲۴. مهر خاوری: در ۱۰۰۰ بیت که گزیده اشعار محمود میرزا است. این اثر به سعی میرزا معصوم خاوری کوزه‌کنانی فراهم شده و در مقدمه احوال و آثار محمود میرزا آمده است.
۲۵. ضیاء‌المحمود: مؤلف آن را درباره بیماری‌ها بویژه وبا نوشته است.
۲۶. دیوان اشعار.
۲۷. مرآت محمدی: محمود میرزا این اثر را در سال ۱۲۵۵ ق در آذربایجان و به دستور

محمد شاه در ذکر جلوس محمد شاه و شرح احوال رجال، نسوان، معبران، منجمان، فقیهان، حکیمان، خطاطان، منشیان، امراء، وزراء، عرفا و شعرا تألیف کرده و «باغ پر گل» تاریخ کتابت آن است.

۲۸. نقل مجلس: تذکره‌ای درباره شرح احوال سی زن شاعر که در داخل قلمرو جغرافیای ایران و خارج از آن می‌زیسته‌اند و آثاری از خود به زبان فارسی به یادگار گذاشته‌اند. این اثر گواه ارزش هنری و پایه اندیشه زنان شاعر فارسی‌گو در روزگاری است که زنان در پرده جهل و خرافه پرستی روزگار را سپری کرده و غالباً از نعمت سواد محروم بودند. محمود میرزا در مقدمه این اثر درباره سبب تألیف آن می‌نویسد:

چون درین زمان میمون و عهد همایون طبایع به فنون کمالات مایل عاجل آمد، چنانکه آن شیوه از مردان تجاوز کرده به زنان هم سرایت کرده، گاهی از پرده نشینان خاطر که شرم مهر و ماه و غیرت آفتاب بی‌اختیار بود به لباس بروز در می‌آوردند، درین حال لازم افتاده که از اشعار ایشان به قدر وسع و تتبع پلیرا کرده، کتابی ترتیب دهد و آن کتاب را مسمی به نقل مجلس نماید.

تذکره نقل مجلس مشتمل بر چند بخش است. مؤلف ابتدا درباره شرح حال دختران شاعر فتحعلی شاه، سپس زنان وی و بعد دیگر زنان شاعر ایرانی و غیر ایرانی سخن گفته اما متأسفانه شرح احوال و آثار زنان قاجاری را به اختصار بیان کرده است. با این وجود، مؤلف چون با شعرای ایرانی این کتاب هم زمان و خویشاوند بوده، اظهاراتش درباره آنان جالب و درخور توجه است. محمود میرزا در این اثر به شدت بر عصمت و عفت این زنان شاعر قاجاری تأکید دارد و در پاره‌ای از موارد راه اغراق پیموده، چنانکه در شرح احوال «طیبه» می‌نویسد: «در شیرین‌زیانی و نکته‌دانی مسلم عهد، بلکه در سایر قرون همچو او موجود نبوده.»^۱

محمود میرزا در کنار ذکر شرح احوال یکی از زنان شاعر غیر ایرانی، یعنی «مخفی»،

دربارهٔ اوضاع جغرافیایی هند و شاه جهان آباد نیز اطلاعاتی هر چند مختصر به دست می‌دهد و مدعی است که پانزده سال قبل از تألیف نقل مجلس، دیوان مخفی را دیده و بعد آنچه را در خاطر داشته، نوشته و تعدادی از ابیات رکیک وی را حذف کرده است.

محمود میرزا در نقل مجلس نام زنان شاعرو خوشنویسی را که زیر دست او تعلیم شعر و خط دیده‌اند و حتی تخلص شعری خود را از او گرفته‌اند، نام می‌برد. دربارهٔ دیگر آثار خود مانند پرده خیال نیز خواننده را مطلع می‌سازد. محمود میرزا در باب تراجم مجلس چهارم مطالب ارزشمندی ارائه نمی‌دهد و در پاره‌ای از موارد حتی مرتکب اشتباه نیز شده است.^۱

از تذکرهٔ نقل مجلس نسخه‌هایی در تبریز، کتابخانه ملک، کتابخانه ملی و کتابخانه اصفهان موجود است.^۲ این اثر به تصحیح دکتر محمدرضا نصیری و نادره جلالی در مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر شده است. چاپ دیگری از این اثر نیز توسط آقای بابک دشنوزاده انتشار یافته است.

۲۹. مجمع محمود: محمود میرزا مجموعه‌ای از تألیفات خود را که مشتمل بر دوازده کتاب: خرقه محمودی، سفینه‌المحمود، منتخب‌المحمود، گلشن محمود، مخزن محمود، دیوان، نقل مجلس، سبستان، پرورده خیال، مقصود جهان، محمودنامه، روای صادق و بیان‌المحمود است در سال ۱۲۳۵ق در یک مجلد به نام «مجمع محمود» گردآوری کرده است.^۳ او در کتاب دیگرش سفینه‌المحمود راجع به این اثر می‌نویسد:

بنیخ از «مجمع محمود» که اوراق نکوش	از پریشانی ایام پریشان نشود
مشکل عقل جهان‌دیده نگردد آسان	هم ازین مجمع اگر مشکلش آسان نشود
فردی از منتخبش گر بر حسان خوانند	نیست منصف اگر از گفته پشیمان نشود
چه کند شاعر شروان اگر از خجلت آن	سوی دریند عدم راست ز شروان نشود

۱. نک: تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۳۹۲.

۲. نک: فهرست‌وارهٔ کتاب‌های فارسی، ج ۳، ص ۱۹۶۴.

۳. نک: همان، ج ۱، ص ۵۵۰.

الفرض گشت چو این مجمع محمود تمام به طریقی که در آفاق به از آن نشود
خواست محمود چو از پیر خرد تاریخش گفت «این مجمع محمود پریشان نشود»^۱
از دیگر آثار متعددی که از محمود میرزا باقی مانده سولاتی است که از شیخ احمد
احسائی کرده و جواب‌هایی که وی به او داده است. زیرا شیخ احمد احسائی در سال
۱۲۳۴ ق با محمود میرزا در نه‌اوند ملاقات‌هایی داشته و پرسش و پاسخ‌هایی بین آنها
مطرح شده که ظاهراً این پاسخ‌ها در اثر شیخ به نام جوامع الکلام آمده است. پرسش‌ها و
منابع پاسخ‌ها نیز در کتاب فهرست شرح حال احمد احسائی و سایر مشایخ عظام و شرح احوال
ایشان تألیف ابوالقاسم بن زین الدین که در دو مجلد در کرمان به چاپ رسیده، آمده است.
نسخه خطی جواب‌های محمود میرزا بر رد عقاید شیخ نیز در کتابخانه شیخ حسین
جندقی در کربلا موجود است.^۲
۳. سفرنامه خوزستان/ عهد حسام: این اثر اطلاعاتی درباره جغرافیایی تاریخی بعضی از
شهرهای لرستان و خوزستان و نام امکنه و شرح حال علما و دانشمندان آنجا به دست
می‌دهد و با کتاب مقصود جهان در بعضی مطالب مشابهت‌هایی دارد. متأسفانه صفحات
آخر کتاب از میان رفته است. میکروفیلمی از این نسخه خطی به شماره ۱۰۴۹ در
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.^۳

تاریخ صاحب‌قرانی و وجوه ارزشی آن

تاریخ صاحب‌قرانی از جمله منابعی است که در عصر پادشاهی فتحعلی شاه در باب
تاریخ خاندان قاجاریه نگاشته شده است. محمود میرزا نگارش آن را به دستور پدرش،
فتحعلی شاه، در ربیع‌الآخر ۱۲۴۸ ق آغاز کرده و در سال ۱۲۴۹ ق به پایان برده است.

۱. سفینه‌المحمود، ج ۲، ص ۷۱۸.

۲. نک: نه‌اوند در آینه فرهنگ، صص ۶۶۸-۶۶۹.

۳. منزوی، همان، ص ۱۰۸؛ نه‌اوند در آینه فرهنگ، ص ۶۶۷.

سبک نگارش او ساده و روان. و در شرح رویدادهای تاریخی مانند دیگر وقایع نگاران عصر قاجار به صورت سانشمار است.

محمود میرزا کتاب خود را در دو جلد نگاشته است. جلد اول: مشتمل بر حوادث تاریخی از سال ۱۹۰۱ق تا ۱۲۱۲ق. او مطالب این جلد از کتاب خود را با شرح دودمان قاجار از دوران فتحعلی خان قاجار آغاز کرده و تلاش های او را برای دستیابی به قدرت به تصویر کشیده است. آنگاه چگونگی به قدرت رسیدن سلسله قاجاریه را به اختصار شرح داده است. او در این راستا چنانکه اظهار می کند قصد شرح مسائل تاریخی را به طور تفصیل نداشته، از این رو به اجمال و اختصار حوادث تاریخی اوایل سلسله قاجاریه، جریان رفتن فتحعلی خان قاجار به اصفهان به جهت کمک به شاه سلطان حسین صفوی، پیوستن وی به شاه طهماسب سوم، ماجرای کشته شدن محمدحسن خان قاجار را بیان کرده و سرگذشت آقا محمدخان و دوران حکومت وی را شرح داده است.

جلد دوم: مشتمل بر وقایع سالهای ۱۲۱۲ق تا ۱۲۴۸ق.

محمود میرزا درباره علت نگارش این اثر می نویسد:

مفصلاً چون تفصیلات احوالات و غزوات این بزرگواران یزدانی را مجملی که حاکی از مفضل باشد، کسی ننوشت است و اگر چیزی نوشته باشند، چندان میل خاطرها به آن ترسیلات نیست، در حقیقت نشانی از آن نامها در میان نمانده. فکری به زبان می شود آن هم به حکایت، کلیات امورات را حسب الامر پادشاهی مقرر شد که به نگارش این بنده درآمده، ضمیمه وقایع دولت و عنوان آن کتاب مستطاب گردد.^۱

و چنانکه در پایان کتاب آورده:

از روزی که فرمایش در نگارش این کتاب شریف و بیان لطیف آمد. گزارشات نیکو و واردات خجسته به سمع مبارک پادشاهی روزبه روز رسید که هر یک شامل بود بر فتوحات

لاتعداد و بشارت‌های بی‌عدد، حتی آنکه خاتمه کتاب نیز به داستان عیش و عروسی ختم گردید.^۱

محمود میرزا در روز جمعه چهاردهم رجب المرجب تحریر وقایع و سوانح و حوادث صد و پانزده سال دولت سلاطین قاجار را به پایان برده است. او ظاهراً پس از پرداختن از تاریخ صاحب‌قوانی، در محرم ۱۲۵۶ ق کتاب دیگری با نام تاریخ قاجاریه نگاشته است.^۲

در جلد نسخه آمده: «این کتاب تاریخ صاحب‌قوانی از تألیفات جناب محمود میرزا در شهر سنه ۱۲۴۸ هنگامی که به مشهد مقدس تشریف می‌بردند، در سمنان به نواب اشرف والا بهاء‌الدوله بهمن میرزا بن فتحعلی شاه قاجار تعارف کرده، بعد از آن مقبول نواب علی‌قلی میرزا شد و ثانیاً در شهر سنه ۱۲۶۲ در کتابخانه نواب اشرف بهاء‌الدوله وارد، ضبط شد».

در قسمت پایین آن نیز آمده: «کتاب تاریخ صاحب‌قوانی داخل کتابخانه شاهزاده خسرو رضوان‌مآب فتحعلی شاه قاجار اونی کتاب پنج‌شنبه یوم الحساب نواب مستطاب جناب شاهزاده علی‌قلی میرزا - زیده اقباله و نام اجلاله شد به تاریخ شهر ذی‌القعدة ۱۲۶۱»^۳

از آنجا که تاریخ صاحب‌قوانی به دست یکی از فرزندان شاه تألیف شده و تاریخی دریاری و فرمایشی به شمار می‌رود، از هرگونه تحلیل‌های تاریخی و دیدی انتقادی خالی است و مؤلف از ثبت تاریخ اجتماعی آن عصر دوری جسته و تنها به شرح احوال

۱. نک: ص ۳۰۷.

۲. منزوی، همان، ج ۲، صص ۸۸۱، ۸۹۱. نسخه منحصر به فرد این اثر در کتابخانه ملی ملک به شماره ۳۷۴۲ موجود است. آغاز آن چنین است: «محمود بن فتحعلی شاه قاجار در آغاز سال ۱۲۵۶ ق که نخست روز ماه محرم الحرام فی یوم جمعه است چنان می‌نگارده و انجام آن نیز آمده:

سال تاریخ دگر شاهد حال بنده با بخت محمد محمود

این اثر به تصحیح آقای میثم کرمی در انتشارات نشر گستره زیر چاپ است.

۳. این تاریخ صحیح به نظر نمی‌آید.

بزرگان و خوانین و درگیری شاهزادگان با یکدیگر بسنده کرده و راه تعریف و تمجید و ثنا از شاه و شاهزادگان قاجاری را پیموده است. اما صرف نظر از موضوعات ذکر شده، به شکلی شاید ناخواسته مسائل مهمی را مطرح کرده است. یکی از آن مباحث، ویژگی ساختار قدرت سیاسی دولت قاجاریه یعنی مطلق‌گرایی سیاسی است که محمود میرزا برای خواننده به تصویر کشیده است. او می‌نویسد: «شاه هرکاری بکند حاکم است و بنده باید آن را بپذیرد.» به عبارتی محمود میرزا نوع حکومت خودکامه را که در آن کلیه اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها با شخص شاه است و انبوه مردم، بندگان او و او ولی نعمت همه آنها و حکم پادشاه همیشه قانون ملک و عقل او مدرک حسن و قبح همه چیز، به خوبی ترسیم می‌نماید.

محمود میرزا همچنین اعمال پلید و غیر انسانی آقا محمدخان قاجار، فتحعلی شاه و دیگر شاهزادگان قاجاری را که در قتل‌های بی‌شمار، مجازات، غارت و اسیر گرفتن مخالفین خلاصه می‌شد، با عناوینی چون شجاعت، دلاوری و دادگری یاد کرده، اگرچه در برخی موارد نیز عنان قلم را از دست داده و به فضاحت قوم و خویشان خود اعتراف کرده است. برای نمونه در فتح تغلیس می‌نویسد:

هفتاد نفر از بندگان اراکلی خان والی و دل‌بستگان تغلیس را گردن زدند... چون آقا محمد خان قاجار به غارت تغلیس و اسیر نمودن گرجیان اجازت داد گالش‌های سفر کشیده به حوران گرجی رسیده، قباح و فضاحت بالا گرفت... پانزده هزار نفر از کودکان و زنان و خوشگلان نصاری به دست آمد و به خدمتکاری اهل اردو که از زمره خداپرستان بودند از عهده اصنام اقدام در تقدیم هر کاری از آنها گردید.

محمود میرزا صرف نظر از مقام سلطنت، نقش کلیدی و حساس شاهزادگان قاجاری را در ساختار سیاسی جامعه تشریح کرده است. شاهزادگانی که از یک سو اساس سلطنت و حکومت ایل قاجار را تضمین می‌کردند و از دیگر سو در شرایط ضعف دولت مرکزی از عوامل بحران‌زا به شمار می‌رفتند. او در کتاب خود اشاراتی به بیماری مهلک و

موروثی «طمع در کسب قدرت و مقام» دارد و از درگیری شاهزادگان قاجاری با یکدیگر بر سر کسب قدرت سیاسی بیشتر به ویژه در دستیابی حکومت ولایات مرزی سخن گفته است. همچنین اشارات کوتاهی به نقش مؤثر برخی افراد در نزاع‌های میان شاهزادگان قاجاری با یکدیگر و یا عزل و نصب حاکمان ولایات داشته است. برای نمونه سعایت اطرافیان حسام‌السلطنه را در بدبینی او نسبت به خودش بسیار مؤثر دانسته تا آنجا که می‌نویسد:

توکرانی که می‌خواستند انجام امورات حسام‌السلطنه به جای دلخواه بکشد، حسام‌السلطنه را چندان از من مخوف و هراسان آوردند که مافوق آن متصور نبود تا به خرم‌آباد در ابهرطور بود، رفتیم در آنجا اطمینان بدتر از رفتار سابق آمد، محض از بودن من بنده به آن احوال در قصبه خرم‌آباد باز محشر و محشری از الوار به پا شد، خواص حسام‌السلطنه دانستند که کارهای پخته خام خواهد شد، عذر مرا به روانه نمودن بروجرد خواستند.^۱

محمود میرزا همچنین از تلاش اکثر لرستانی‌ها بویژه میرزا عبدالله، وزیر لرستان، در عزل حسام‌السلطنه از حکومت لرستان و رسیدن خودش به حکومت آن ناحیه سخن گفته است:

در چهار فرسنگی بروجرد قاصدی با نوشته‌جائی از اکثر لرستانی‌ها آمد که تا به امروز را به چشم داشت توقف تو در لرستان حرکتی نکردیم، بعد از این و ناامیدی حقوقات را سجل کرده که به روزگار تیره و روز سیاه چاره‌جویی رسان است و امکان خدمت با حسام‌السلطنه ما را نیست. سکوت مرا گویا موجب رضا دانستند و پنداشتند این جانب وارد بروجرد شده، حسام‌السلطنه از خرم‌آباد وارد الشتر گردید. میرزا عبدالله وزیر لرستان استخلاص خود را به دروغ حجت دید و تمسک سپرد، به مبلغ گزافی لرستان را اجاره کرده، به بهانه آنکه باید پول فراهم آورده به میان طوایف رفت و دوازه هزار خانه‌دار دلفان یک‌دل و یک‌زبان از خدمات حسام‌السلطنه دوری جسته، بالمره به کوهستان لرستان ریختند و میرزا عبدالله وزیر به

هدایت محمدرضا بیگ کرایلی عازم کرمانشاهان شدند. (نک: تاریخ صاحبقرانی، ص ۲۸۶)

از دیگر نکاتی که محمود میرزا در کتاب خود به آن پرداخته حوادث تاریخی نقاط مرزی کشور است. او به نقش مهم شاهزادگان حاکم این ولایات مرزی در هرم قدرت توجه داشته است. از این رو، به منطقه خراسان به عنوان یک منطقه مهم که غالباً افراد شورشی و یاغی به واسطه دوری از مرکز حکومت در آنجا اجتماع کرده تا قدرت سیاسی لازم را کسب کنند، اهمیت ویژه‌ای داده و حوادث مهم تاریخی آن منطقه را بازگو کرده است. او در این راستا از تلاش بازماندگان سلسله افشاریه در جهت کسب قدرت سیاسی سخن گفته و نقش و تدبیر سیاسی محمدولی میرزا را طی چهارده سال حکمرانی بر این منطقه به تصویر کشیده است. درگیری‌های امرای خراسان با محمدولی میرزا و دولت قاجار، درگیری‌های ایران و عثمانی بر سر بغداد و درگیری افغان‌ها و اوزبک‌ها با حکام ایرانی را به اختصار شرح داده است. اما متأسفانه از بیان جنگ مهم محمدولی میرزا با صوفی اسلام، از بزرگان فرقه نقشبندی، به صورت کوتاه و گذرا عبور کرده و به طور مختصر به تشریح آن پرداخته است.

محمود میرزا در باب سیاست خارجی ایران نیز راه غفلت پیموده و به روابط دولت ایران با دول روس، عثمانی، انگلیس و فرانسه توجه داشته و به تشریح جنگ‌های ایران و روس که از مهم‌ترین رویدادهای عصر فتحعلی شاه بوده، پرداخته و اطلاعاتی هر چند مختصر پیرامون این مسئله به خواننده عرضه داشته است.

محمود میرزا همچنین ضمن بیان مطالب تاریخی به طور ناخودآگاه ریشه اختلافات حکام تالش و دولت ایران را که در دوران آقا محمدخان آغاز شد و در عصر پادشاهی فتحعلی شاه حادث‌تر گردید، تشریح کرده و به بررسی نقش قوم تالش در دوره جنگ‌های ایران و روس در عصر فتحعلی شاه پرداخته است. محمود میرزا در واقع آن هنگام که از قیام مرتضی قلی خان بر ضد برادرش آقا محمدخان در گیلان و گریختن وی به استرabad و

سپس پناهنده شدنش نزد حاکمان تالش و شیروان سخن می‌گوید و کمک‌های میرمصطفی خان تالش را به وی شرح می‌دهد که مرتضی قلی خان چگونه به یاری وی توانست با آقا محمدخان وارد جنگ شود و مدت کوتاهی امور گیلان را در دست گیرد، نخستین زمینه این اختلافات را بیان کرده است. به ویژه آنکه طی نبردی قوای آقا محمدخان در ۱۲۰۹ ق به فرماندهی جان محمدخان قاجار از قوای میرمصطفی خان شکست خورد و مجبور به عقب‌نشینی شد. این ضدیت‌های موجود میان حکام تالش و دولت ایران در عصر فتحعلی شاه عمق بیشتری یافت و تدریجاً سبب تمایل خوانین تالش به روسیه شد. برخی منابع چون «اخبارنامه» علت ضدیت فتحعلی شاه را با میرمصطفی خان بر سر مسئله خواستگاری دختری وی بیگم آغا جهت ازدواج با محمدعلی میرزا ذکر می‌کنند. چنان‌که میرزا احمد لنکرانی می‌نویسد چون میرمصطفی خان به پیشنهاد شاه جواب رد داد و نوشت: «اگر چه نام شما پادشاه است اما من خود را کم‌تر از شما به حساب نمی‌آورم» فتحعلی شاه رنجید. اما بر اساس اسناد و منابع تاریخی علت اصلی خشم شاه به وی، به شکست قوای شاهی در تالش از نیروهای میرمصطفی خان باز می‌گشت که چندین بار تکرار شده بود. عدم یاری میرمصطفی خان به قوای شاهی که همراه حسین قلی خان حاکم بادکوبه عازم حمله به نیروهای روسی بودند، از دیگر عواملی می‌توان برشمرد که به این اختلافات دامن زد.

در واقع با نگاهی به زندگی میرمصطفی خان در می‌یابیم وی هنگامی که خبر پیروزی قوای ایران را در جبهه‌های شمال ارس و کشته شدن سپسیانوف را دریاکو شنید، به سوی دولت ایران متمایل شد ولی پس از مدت کوتاهی با مشاهده تغییر اوضاع به نفع دولت روسیه به آنان تمایل یافت و تحت حمایت آن کشور قرار گرفت. هجوم به تالش و فتح قلعه لنکران که سپاهیان قاجار با کمک انگلیسی‌ها انجام دادند و به موجب آن تعداد زیادی از املاک طرفداران میرمصطفی خان نیز به آتش کشیده شد و اموال آنان غارت گردید و گروهی از طرفداران وی به سپاهیان قاجار پیوستند، از جمله عواملی بود که

سبب شد میر مصطفی خان برای ادامه مبارزات خود از روس‌ها کمک بگیرد. اگرچه او توانست مناطق تالش جنوبی را زیر فرمان خود درآورد ولی قادر به بازپس‌گیری قلعه لنکران نشد تا اینکه روس‌ها این منطقه را گرفتند و اندکی بعد میر مصطفی خان نیز درگذشت.

با انعقاد عهدنامه ترکمان‌چای که بخش شمالی تالش به موجب آن به روس‌ها واگذار شد، میر حسن خان به تصور آنکه با کمک دولت ایران خواهد توانست تالش را از روس‌ها باز پس گیرد، در بخش جنوبی تالش مقیم شد و از عباس میرزا نایب‌السلطنه درخواست یاری کرد اما چون از گفت‌وگوهای خود با عباس میرزا نایب‌السلطنه نتیجه‌ای نگرفت، به مبارزات خود ادامه داد ولی در هر حال براساس عهدنامه ترکمن‌چای از سوی هر دو دولت یاغی شایسته شد و سرانجام بر اثر دسایس برادرانش در آستاراچای دستگیر و به دولت ایران تحویل داده شد. دولت ایران نیز او را در آق قلعه خلخال زندانی کرد ولی او از آنجا گریخت و مبارزات خود را علیه روس‌ها پی گرفت و مدتی در جنگل‌های سیاه‌کوه پنهان شد اما عاقبت تسلیم دولت ایران گردید و این بار چون در خاک روسیه قیام کرده بود، روس‌ها خواستار استرداد وی شدند ولی ظاهراً در همین ایام در تهران مسموم شد و به قتل رسید.

محمود میرزا مانند دیگر مورخین قاجاری در لابلای بیان مطالب تاریخی از مدح و ثنای شاه غافل نمانده و کوشیده شوکت پادشاهان قاجاری را حفظ کند بنابراین درباره علت قتل آقا محمدخان و تهدیدی که او خادمین خود را کرده و آنها در واقع برای حفظ جان خود مبادرت به قتل وی کرده‌اند، راه سکوت برگزیده است.

محمود میرزا از آنجا که خود از شاهزادگان با فضل قاجاری بوده و با متون نظم و نثر ادبیات فارسی آشنایی داشته، در لابلای تبیین وقایع تاریخی از اشعار خود و دیگران نیز بهره برده و به ثبت آنها پرداخته و بر ارزش اثر خود افزوده است.

از دیگر ویژگی‌های تاریخ صاحبقرانی اطلاعات جغرافیایی است که مؤلف به دست

داده است. دیگر ارائه اطلاعات آماری راجع به شیوع بیماری وبا و طاعون در بلاد ایران که بیش از پانصد هزار نفر را به کام مرگ کشاند.

تاریخ صاحبقرانی به جهت درج آثار و ابنیه تاریخی لرستان نیز حائز اهمیت است. اطلاعاتی که مؤلف پیرامون زندگانی و آثار خود به دست می‌دهد، از دیگر وجوه ارزشی این اثر می‌توان برشمرد. برای مثال محمود میرزا در برخی موارد درباره آثار خود سخن گفته و در پاره‌ای از اوقات از نحوه رفتار پدرش با خود شکوه سر داده است. یا در تشریح سفر همایونی به کاشان و تفرج در باغ فین که از ملتزمین رکاب همایونی بوده از سرایش غزلی از خود خبر می‌دهد که بسیار مورد طبع شاه واقع شده به طوری که دستور می‌دهد وی مطلع آن بیت را به خط نستعلیق بر روی دیوار باغ فین بنویسد.

در خاتمه باید گفت نشر مؤلف ساده و روان است، ولی در بعضی موارد به دلیل اشکالات نگارشی جملات فاقد سلاست و روانی است و فعل و فاعل و مفعول به صورت صحیح در جای خود به کار نرفته است. برای مثال: «چندان اظهار به آنچه داشت نمی‌کرد بلکه پنهان داشت اغلب اسرار خود را».

نسخه خطی مورد استفاده و روش تصحیح

نسخه‌هایی از تاریخ صاحبقرانی در کتابخانه ملی، کتابخانه موزه بریتانیا، لنینگراد، دانشگاه تلری جانف، منچستر بیتی و بانک پور موجود است. در تصحیح متن حاضر از نسخه خطی کتابخانه ملی استفاده شد. این نسخه با خط نستعلیق و احتمالاً در تهران و شاید به خط مؤلف نگاشته شده است.^۱ در تصحیح متن حاضر با حفظ امانت، در جایی که کاتب بعضی کلمات را سهواً غلط ضبط کرده بود، صورت صحیح آن در متن و کلمات غلط در زیرنویس ذکر شد. در مواردی که ضبط برخی اسامی در متن متفاوت بود، یکدست گردید. در بخش تعلیقات نیز با استفاده از

منابع و مأخذ معتبر شرح و توضیحات مختصری برای روشن‌تر شدن متن و حل پاره‌ای از مبهمات داده شد تا از مشکلات متن کاسته شود. همچنین این اثر با منابع و مأخذ معتبر آن عصر چون متأثر سلطنته، ناسخ‌التواریخ، تاریخ روضة‌الصفای ناصری، اشرف‌التواریخ، تاریخ ذوالقرنین مقابله گردید و وجوه اشتراک و افتراق آنها منعکس شد.

سیاسگزاری

در پایان، شایسته است از تمام عزیزانی که در انجام یافتن این پژوهش مرا یاری داده‌اند، یاد و تشکر کنم. نخست باید از استاد گرانقدرم زنده‌یاد دکتر عبدالحسین نوایی یاد کنم که انگیزه چاپ آثار محمود میرزا را در ذهنم برانگیخت، از استاد محمد گلبن که در حل پاره‌ای از ابهامات متن به یاریم شتافتند، سیاسگزارم، از دکتر علی رواقی که با راهنمایی‌های عالمانه خود بکات سردمندی را یادآور شدند، متشکرم. از همکاران ارجمندم در بخش کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی خانم‌ها سهیلا سادات تیموریان، افسانه شفاعتی، شریفه مهدی‌پور و نعمیه مهدی علی‌محمد که همیشه با بردباری و باگشاده‌رویی منابع پژوهشی را در اختیارم نهادند، تشکر می‌کنم.

سیاس دیگرم از حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان ریاست محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که اجازه فرمودند این اثر در سلسله انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر شود. از همکاران ایشان در مرکز پژوهش بویژه آقای بهروز ایمانی که نظارت بر چاپ این اثر را به عهده داشتند، و سرکار خانم فاطمه بوجار که صفحه‌آرایی متن را انجام دادند، سیاسگزارم. در خاتمه امیدوارم این اثر مورد توجه اهل فضل و دانش قرار گیرد و مرا از راهنمایی‌های نقادانه خود بهره‌مند سازند.

نادره جلالی

تهران، مردادماه ۱۳۸۹